

حقوق اساسی

(۲)

دکتر محمد هادی صادقی



بانک مقالات حقوقی نشر عدالت

دانشگاه شیراز

بهار ۱۳۸۵

مباحث کلی

انسان به اقتضای تمایلات طبیعی و نیز ضرورت رفع نیازهای مادی و معنوی علاقمند به زندگی اجتماعی است.

نظم جامعه منوط به ضوابط و معیارهای حقوقی است که بر تعاملات افراد با یکدیگر حاکم است. تدبیر امور جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و تجاوز به حقوق افراد مستلزم تشکیل دولت است. حقوق اساسی از قواعدی بحث می کند که به ساختار، وظایف و اختیارات دولت و نهادهای دولتی و نیز رابطه آنها با مردم مربوط است.

حقوق اساسی شعبه ای از حقوق عمومی داخلی است که به بررسی حقوقی رژیم سیاسی، ساختار حکومت قوای سه گانه و رابطه آنها با یکدیگر، حقوق فردی و آزادیهای عمومی می پردازد.

منابع حقوق اساسی را می توان اجمالاً در سه گروه خلاصه کرد:

- منابع حقوقی (قانونی)
- منابع شرعی
- عرف

منابع قانونی

مراد از منابع قانونی نه فقط متون قانونی بلکه علاوه بر آن آراء و تفاسیر و نظریات مراجعی است که اعتبار و حجیت آنها ناشی از حکم قانون است.

مهمترین منابع قانونی

الف) قانون اساسی

قانون اساسی دارای یک مقدمه است که دیدگاه کلی خود را نسبت به موضوعاتی مانند حکومت اسلامی- رهبری- اقتصاد- ارتش- قضاء و قوای مجریه و مقننه و مانند آن بیان می دارد.

محورهای مهمی که در که در اصول قانون اساسی آمده است از جمله :

- جمهوریت نظام و تاکید بر مشارکت مردم در اراده جامعه.
- اسلامی بودن حکومت
- رهبری در جامعه اسلامی
- حقوق ملت
- تاکید بر آزادی و استقلال کشور

امکان تجدید نظر در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ پیش بینی نگردیده بود. لکن پس از گذشت ده سال و بدنبال بازنگاری در قانون مذکور در سال ۱۳۶۸ به موجب اصل ۱۷۷ تجدید نظر در قانون اساسی با رعایت شرایط و محدودیت های مشخص شده فراهم شد.

- امکان تجدید نظر در قانون اساسی زمینه پویایی و تحول جامعه را در یک بستر قانونی فراهم ساخته و موجب هماهنگی قانون اساسی با شرایط متحول اجتماعی می گردد.
- بمنظور حفظ استحکام و اعتبار نظام سیاسی و اجتماعی تغییر در اصول قانون اساسی باید محدود به مواردی شود که به پایه ها و مبانی نظام مربوط نمی شود.

سؤال: آیا با توجه به عدم پیش بینی تجدید نظر در قانون اساسی ۱۳۵۸ اقدام به بازنگری در این قانون در سال ۱۳۶۸ توجیه حقوقی دارد؟
اصل ۱۷۷ قانون اساسی ضمن پیش بینی جواز بازنگری در قانون اساسی سازگار، شرایط و محدودیت های آن را مشخص کرده است.
به موجب این اصل مرجع بررسی موارد تجدید نظر "شورای بازنگری قانون اساسی" است.

محدودیت های تجدید نظر:

اولا این شورا فقط می تواند به بررسی اصولی بپردازد که رهبری در حکم خود مشخص کرده است.
ثانیا پیشنهاد تغییر در اصول قانون اساسی نباید با محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت فقیه و مذهب رسمی معارض باشد.

سازوکار تجدید نظر در قانون اساسی

- مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام موارد اصلاح یا تمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می نماید.
 - شورا به بررسی موارد پرداخته و نتیجه مشورتهای خود را به مقام رهبری ارجاع می دهد.
 - مقام رهبری مصوبات شورا را تأیید و امضاء می کند.
 - مصوبات مورد تأیید مقام رهبری جهت تصویب نهایی به همه پرسى گذاشته می شود.
- از دیگر منابع حقوق اساسی **تفاسیر شورای نگهبان** از اصول قانون اساسی است.

در اصل ۹۸ قانون اساسی آمده است:.....

آیین نامه داخلی مجلس:

منبع دیگر قانون اساسی است. این آیین نامه چگونگی اعمال قوه مقننه را مشخص می کند.

منابع قانونی:

- ۱ - قانون اساسی
 - ۲ - تفاسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی
 - ۳ - آیین نامه داخلی مجلس
 - ۴ - قوانین عادی
 - ۵ - تصویب نامه ها و آیین نامه های قوه مجریه
- در میان قوانین عادی "قوانین سازمان دهنده" اهمیت ویژه ای دارند. این قوانین اصولاً در راستای برخی اصول قانون اساسی تصویب می شوند و به نوعی دنباله اصول قانون اساسی هستند.
- * مرجع تصویب قوانین عادی ممکن است "مجلس شورای اسلامی" یا "مجلس خبرگان رهبری" یا در مواردی "مجمع تشخیص مصلحت نظام" باشد.
- * تصویب نامه ها و آیین نامه های مصوب قوه مجریه منبع دیگر حقوق اساسی قلمداد می شوند.
- * مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و نیز شورای بازنگری قانون اساسی و مذاکرات مجلس شورای اسلامی مرجع مهم بویژه بمنظور کشف مراد مقنن است.

منابع شرعی

حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران به شدت متأثر از منابع شرعی است. بسیاری از اصول قانون اساسی با بهره گیری از احکام دینی تنظیم و تدوین یافته اند علاوه بر آن در مواردی نیز که قانونگذار ساکت بوده و خلا قانونی وجود دارد احکام شرعی از منابع ممتاز حقوق اساسی قلمداد می شوند.

منابع شرعی عبارتند از

- ۱ - قرآن کریم
- ۲ - سنت و سیره پیامبر(ص) و معصومین(ع)
- ۳ - عقل
- ۴ - اجماع

فتاوی معتبری که مبتنی بر منابع مذکور است نیز در ضمن منابع شرعی قرار دارند. پذیرش احکام شرع به عنوان منبع حقوق اساسی آثار و نتایج مختلفی را به دنبال دارد این تاثیر از جمله در موارد زیر قابل توجه است.

- در مقام قانونگذاری
- در مقام تفسیر و تطبیق قانون
- در موارد سکوت قانون
- در مقام تقنین، قانونگذار غالباً از منابع شرعی بهره می برد. در قانون اساسی اصول دوم- سوم- چهارم- پنجم- هفتم- هشتم- یازدهم- چهاردهم- پنجم و پنجم و... با استفاده از احکام دینی تنظیم شده اند. بعلاوه بسیاری از قوانین عادی نیز مبتنی بر فتاوی معتبر تدوین و تصویب شده اند.

- قانون اساسی قانونگذار را ملزم به رعایت احکام شرعی در تصویب قانون کرده است.

اصل ۴ قانون اساسی

- اصل چهارم بر اطلاق و عموم کلیه اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است.
- بنابراین در تفسیر و شرح اصول قانون اساسی و قوانین ناگزیر از توجه به احکام شرعی هستیم به نحوی که برداشت و تلقی ما از قانون هرگز نباید با شرع مخالفت داشته باشد.
- در موارد سکوت قانون احکام شرع معتبر است. عدم وجود قانون دلالت بر عدم اعتبار احکام شرع در آن مورد نخواهد داشت.
- اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی را موظف کرده است که در خلاءهای قانونی با استناد به منابع شرعی و فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند.

حکومت ایران

درباره منشا دولت نظریات مختلفی ایراز شده است. برخی درباره ضرورت دولت نیز اختلاف کرده اند. این امر موجب شده است که نویسندگان اسلامی در کتبی که درباره امر امامت و رهبری نوشته اند به ذکر دلایل ضرورت دولت پرداخته اند در اسلام گروهی از خوارج و در دنیای معاصر آنارشیست ها و کمونیست ها در جهت نفی ضرورت دولت تلاش کرده اند. مؤلفین اسلامی در مقام اثبات ضرورت دولت بدو به اصل عدم ولایت و سلطه فردی بر دیگری تمسک جسته اند: " لا ولایه لاحد علی احد" اما ادله عقلی و مدارک نقلی بر تقدم اصل پذیرش دولت بر اصل اولی عدم ولایت فردی بر فرد دیگر دلالت دارد. مدارک دینی که حاکی از حاکمیت مطلق خداوند و ولایت پیامبر(ص) و صاحبان امر است نیز اصل مذکور را تخصیص می زند. به علاوه طبیعت آدمی حکومت را به اقتضای فطرت خود می پذیرد. در دنیای پیچیده امروز ضرورت وجود دولت امری بدیهی و غیر قابل انکار است. امام علی(ع) در اثبات لزوم وجود حاکم از جمله فرموده است: "مردم ناگزیر از داشتن امیری نیکوکار یا بدکردارند... تا با دشمنان مبارزه شود، راهها ایمنی یابد و حق ضعیف از قوی گرفته شود. نیکوکار آسایش یابد و از شر افراد فاجر ایمنی حاصل گردد.

اصل اول قانون اساسی مقرر می دارد: "...

بموجب این اصل حکومت ایران جمهوری اسلامی است. حکومت در ایران دو محور بنیادین دارد: ۱- جمهوریت ۲- اسلامیت

حکومت ایران جمهوری است زیرا:

- مدیران کشور بطور مستقیم یا غیر مستقیم از طرف مردم یا تعیین یا صالح تشخیص داده می شوند.
- مسئولان کشور در برابر قانون با دیگر مردم مساوی هستند.

در اصل ۶ قانون اساسی آمده است: "...

- اسلامی بودن نظام نیز ناشی از توجه به درخواست مردم و تمایل آنها به ارزش های دینی و حق و عدل قرآنی است.

ویژگی های برجسته بنیانگذار جمهوری اسلامی در پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران اهمیت ویژه ای داشته است. قانون اساسی بر ارتباط کامل دین و سیاست تاکید دارد.

درباره نسبت دین و سیاست دیدگاههای مختلفی وجود دارد:

- در یک نظریه بر تفکیک کامل دین و سیاست تاکید می شود. این گروه سیاست و دین را از نظر هدف، موضوع و روش از یکدیگر متمایز می دانند.
- برخی قائل به آمیختگی کامل دین و سیاست هستند. قانون اساسی در اصول مختلف بر وحدت دین و سیاست تصریح می کنند.

دلایل این گروه متعدد است برخی از این ادله عبارتند از:

۱- به موجب بسیاری از آیات قرآن "ماهیت دین حکومت است" و معیار ایمان پذیرش حکومت خداوند است و تبعیت از احکام جور با بندگی خداوند منافات داشته و از مصادیق کفر قلمداد می گردد:

* الله ولی الذین آمنو یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا أولیاءهم الطاغوت.

* ولقد ارسلنا فی کل امه رسولا ان اعبدو الله واجتنبوا الطاغوت.

دومین دلیل قائلین به آمیختگی دین و سیاست **ماهیت دعوت پیامبران** است.

- خداوند بر امامت و حکومت برخی پیامبران تصریح فرموده است چنانچه

درباره حضرت ابراهیم(ع) آمده است :

و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن، قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من

ذریتی، قال لاینال عهدی الظالمین (بقره/۱۲۴)

بموجب این آیه امر حکومت عهد خداوند است که موروثی نبوده و به ستمگران نمی رسد.

- دعوت حضرت موسی(ع) نیز یک دعوت سیاسی و در مقابله با حکومت

طاغوت بوده است.

- حضرت عیسی(ع) نیز یک مبارز خستگی ناپذیر و انقلابی بزرگی است

که بر خلاف تصور برخی مسیحیان، به مبارزه و جدال با احکام جور و شهادت

طلبی دعوت نموده است.

- همچنین پیامبر اسلام(ص) تشکیل حکومت داد و مردم با بیعت خود حکومت سیاسی وی را علاوه بر نبوت آن حضرت می پذیرفتند.

بنابراین :

ماهیت دعوت همه پیامبران توأم با داعیه حکومت در مقیاس محدود یا کلی بوده است.

بنیاد حقوق اساسی و ساختار نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصل آمیختگی کامل دین و سیاست است .

- بسیاری از آیات قرآنی بر وحدت دین و سیاست دلالت دارد.
- وجود احکام مختلف و گسترده در زمینه ی زندگی اجتماعی و امور سیاسی در اسلام به روشنی بیانگر ماهیت سیاسی اجتماعی دین اسلام است.

برخی از این احکام عبارتند از:

- ۱- مالیاتهای اسلامی مانند: خمس و زکات.
- ۲- اموال عمومی جامعه مانند: کوهها، معادن، اراضی موات و..(انفال).
- ۳- جهاد و دفاع از جامعه اسلامی .
- ۴- باغیان و مجرمان سیاسی.
- ۵- قضاوت و دادرسی.
- ۶- اجرای مجازات ها (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات).
- ۷- دریافت و واریز وجوه به خزانه و بیت المال و... .

اجرای احکام مذکور بدون تشکیل دولت دینی ممکن نیست.

توجه به هدف ادیان توحیدی مستلزم پذیرش آمیختگی آنها با امر سیاست است. اگر هدف دینی کمال و شکوفایی انسان است باید به تمام اموری بپردازد که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در تحقق این هدف مؤثر هستند.

- سیاست ها و برنامه های فرهنگی، آموزشی، تربیتی، اقتصادی و... و نیز قواعدی که حاکم بر چگونگی تعاملات انسانی است. بر سرنوشت انسان به شدت اثر گذار است.

بنابراین دین اگر به این امر توجه نکند از هدف خویش دور مانده و دینی ناقص قلمداد می گردد.

- شیوه پیشوایان معصوم پس از پیامبر دلالت بر وحدت دین و سیاست دارد .
- اصل انتظار. هر مسلمانی را به یک عنصر فعال سیاسی تبدیل می کند. اصل انتظار موجب تلاش مستمر بمنظور زمینه سازی تشکیل یک دولت عادل و جهانی است.
- شیوه و روش مسلمین پس از پیامبر(ص) مؤید دیگری بر آمیختگی دین و سیاست است.

پیامبر مسلمانان را بگونه ای تربیت کرد که پس از وی هیچکس بر ضرورت پرداختن به امر حکومت و سیاست تردید نکرد.

نتیجه مباحث پیش در خصوص نسبت دین به سیاست را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:
الف: ضرورت وجود دولت در جوامع انسانی غیر قابل انکار است.

ب: از نظر قانون اساسی دین و سیاست با یکدیگر آمیختگی کامل دارند زیرا:

۱- هدف دین کمال و سعادت انسانی است پس باید در همه اموری که بع سعادت انسان مرتبط است ورود کند که از جامعه آنها سیاستهای اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی و ... حاکم بر جامعه است که زندگی آحاد جامعه را تحت تاثیر خود قرار می دهد. و این به معنی ضرورت پرداختن دین برای حکومت و سیاست است.

۲- ماهیت دین حاکمیت خداوند است.

۳- دعوت انبیاء یک منش سیاسی و انقلابی در طول تاریخ بوده است.

۴- نظام اسلامی نظامی فراگیر و جامع است که همه شئون زندگی را در بر می گیرد. اجرای احکام سیاسی عبادی- اجتماعی- مالی قضایی و ... نیازمند تشکیل حکومت است.

۵- سیره پیامبر اسلام (ص)

۶- سیره پیشوایان و ائمه معصومین(س)

۷- اعتقاد به اصل انتظار تشکیل دولت فراگیر جهانی و اسلامی

۸- سیره و روش مسلمین پس از پیامبر

بنابراین از نظر قانون اساسی اسلام دینی سیاسی است که مسلمانان را در جهت تشکیل دولت عادلانه مکلف کرده است.

قائلین به تفکیک دین و سیاست معمولاً دلایل خود را بصورت زیر مطرح می کنند.

۱- هدف دین و سیاست از یکدیگر متمایز است. هدف دین آبادانی آخرت و هدف

سیاست آبادانی دنیای مردم است بنابراین از این رو از نظر هدف با هم مغایرند.

• در پاسخ گفته اند در معرفت دینی رستگاری آخرت متوقف بر آبادی دنیای انسان است- اگر هدف دین فقط آخرت انسان باشد وجود احکام مختلف اجتماعی سیاسی و قضایی به ویژه در اسلام قابل توجیه نخواهد بود.

«سیاست در تعریف دانشمندان اسلامی اصلاح خلق و تدبیر امور مردم است که با هدف

دین در یک راستا قرار می گیرد.»

۲- دین رابطه فرد با خدا را تنظیم می کند و از این جهت با سیاست متفاوت است.

• این اشکال نیز ناشی از عدم درک درست ماهیت دین است وجود احکام مختلفی که به مسائل اجتماعی مربوط است بهترین دلیل بر بی پایه بودن این اشکال است.

۳- اشکال دیگر اینکه روش دین با سیاست با یکدیگر متفاوت است سیاست از

شیوه های مبتنی بر مکر و فریب بهره می گیرد در حالی که دین به شدت با اینگونه روشها مخالف است.

در حالی که مکر و فریب جزء ذات سیاست نیست بلکه نوعی سوء استفاده از سیاست است.

- ورود پیشوایان دینی به حوزه سیاست و تشکیل دولت از سوی پیامبر (ص) مهمترین دلیل بر رد این اشکال است.
- ۴- سوء استفاده خودکامگان از دین- در پاسخ باید گفت سوء استفاده از وجه سیاسی دین کننده حقیقت و واقعیت آمیختگی دین و سیاست نیست.
- ۵- سوء مدیریت عاملان سیاست موجب بدبینی مردم نسبت به دین می شود
- این اشکال نیز نمی تواند اولاً واقعیت وحدت دین و سیاست را منتفی سازد و ثانیاً پذیرش این ایراد به معنی کنار نهادن بخش اعظم دین و ناقص کردن آن است.

آیا وصف اسلامیت نظام با جمهوری بودن آن سازگار است؟

وصف جمهوریت ناظر به شکل نظام و اسلامیت مربوط به محتوای آن است. به موجب اصل ۶ قانون اساسی اداره امور کشور متکی بر آراء عمومی است مردم خود با رای قاطع خویش تبعیت از احکام ثابت اسلام را پذیرفته اند. در اسلام برخی احکام فراتر از زمان و مکان همیشه ثابت و لا تغییر هستند، لکن بعضی از احکام به تبع تغییر موضوع دگرگونی می یابند. در مواردی نیز با تغییر عرف حکم شرعی تحول می یابد. بعلاوه در بخش وسیعی از امور شارع حکم عامی نداشته و تصمیم گیری در آن امور به مردم واگذار شده (منطقه الفراغ) در این موارد مجلس و حاکمان سیاسی معمولاً از طرف مردم به جعل و تشریح قواعد و انتظام امور می پردازند.

پایه های نظام در جمهوری اسلامی

در اصل دوم قانون اساسی آمده است جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به خداوند و نفی حاکمیت غیر الهی است. پذیرش شرافت انسانی مستلزم انحصار حاکمیت خداوند و عدم صلاحیت غیر خدا در حکومت انسان است، و حکومت دیگران فقط در طول حاکمیت خداوند قابل توجیه است. این اصل آزادی جامع اسلام را مورد تاکید قرار داده و استقلال کشور را تضمین می نماید.

به علاوه انحصار حاکمیت و تشریح به خداوند مستلزم پذیرش وحی الهی در زندگی اجتماعی و فردی است. این اصل راهنمای عمل قانونگذار خواهد بود.

اصل دوم قانون اساسی

ایمان به معاد از پایه های دیگر نظام اسلامی است. به موجب این اصل جامعه اسلامی اولاً یک جامعه پویا است
ثانیاً جامعه ای کمال طلب است
ثالثاً جامعه اسلامی بالندگی و کمال خود را منحصرأ در ارتباط با خداوند و در پرتو بندگی او قابل دسترسی می داند

رابعاً فعلیت کمال و شکوفایی انسان بدون توجه به کیفیت زندگی در این جهان ممکن نیست؛ داشتن یک آخرت آباد مستلزم داشتن دنیای آباد است.

- به موجب این اصل جمهوری اسلامی زمینه های سعادت و کمال انسان را در همین دنیا فراهم می سازد
- ایمان به معاد از جمهوری اسلامی یک جامعه پویا، تحول خواه، کمال جو و با منزلت خواهد ساخت.

ایمان به عدالت: در اصل دوم آمده است تحقق کمال انسانی متوقف بر وجود عدل در همه زمینه های اجتماعی- اقتصادی- سیاسی و غیر آن است پذیرش عدالت در خلقت زمینه هر گونه تبعیض جنسیتی- نژادی و قومی و مانند آن را منتفی می سازد. عدالت در قانونگذاری برقراری تعاملات عادلانه و روابط عادلانه در روابط اجتماعی را تضمین می کند.

ایمان به امامت و رهبری مستمر

امام کسی است که همیشه مقصد و هدف تلاش و حرکت دیگران قرار می گیرد. اهمیت امر امامت بدلیل پذیرش پویایی و هدفمندی جامعه است.

استمرار حرکت جامعه، ضرورت وجود رهبری مستمر را توجیه می کند. استمرار رهبری موجب سلامت حرکت جامعه به سوی کمال انسانی و الهی و جلوگیری از انحراف و کژی است. از نظر قانون اساسی انقلاب یک پدیده مقطعی و تمام شده نیست بلکه انقلاب یک امر جاری مستمر است زیرا انقلاب نفی هر گونه خودکامگی، خودبینی، سلطه جویی، بی عدالتی و زیاده طلبی است.

وجود این تمایلات نفسانی در بین برخی افراد جامعه و بعضی از عاملان و کارگزاران رسمی ضرورت استمرار انقلاب و تداوم آن را موجب می شود. تداوم انقلاب استمرار مبارزه جدی و فراگیر با پدیده های مذموم نفسانی در سطوح مختلف اجتماعی و مدیریتی است. رهبری، هدایت این مبارزه مقدس را مستمراً بر عهده دارد قانون اساسی رهبری انقلاب اسلامی را موثر در تداوم انقلاب اسلام می داند.

ایمان به کرامت و ارزش والای انسان

در این اصل ایمان به کرامت انسانی و ایمان به آزادی انسان از پایه های نظام جمهوری اسلامی است کرامت و بزرگواری انسان ممکن است تکوینی یا اکتسابی باشد. در شرافت تکوینی همه آحاد انسانی مشترکند و هیچ کس را بر دیگری برتری نیست. در فرهنگ دینی این کرامت ناشی از دمیده شدن روح الهی در انسان در مرحله خلقت است و نیز آموزش اسماء به انسان از سوی خداوند است. این بزرگواری و کرامت با سجده ملائکه بر انسان درخشش و عظمتی افتخار آمیز یافت.

کرامت اکتسابی

ممکن است بوسیله عوامل مختلفی حاصل شود مانند ایمان- علم- تقوی که از موجبات کرامت انسانی هستند. هدف غایی و نهایی جمهوری اسلامی فعلیت شرافت و کمال انسانی است.

ایمان به آزادی

از آثار پذیرش شریف بودن انسان است از طرف دیگر عینیت کرامت انسان متوقف بر آزادی اوست. از آزادی باید در جهت حفظ شرف انسانی و کمال جویی بهره گرفته شود.

اصل دوم قانون اساسی

- اصل دوم پایه های نظام را بر اصول و ارزشهای اسلامی و انسانی بنا کرده است.
 - در این اصل بر ایمان به ارزشهای مذکور تاکید شده است.
 - ابتدای ساختار سیاسی بر باورهای مردم موجب رابطه ای عمیق بین مردم و مدیران کشور بوده به علاوه ثبات، دوام و استحکام نظام سیاسی را در پی خواهد داشت
 - ایمان به توحید موجب تلاش در جهت تجلی یافتن صفات الهی در جامعه می شود و اجتماعی سرشار از رحمت و عدالت، آزادگی و تقوی- فرهیختگی و کرامت را موجب خواهد شد.
 - ایمان به وحی از تبعات پذیرش ایمان به توحید است
 - ایمان به معاد اظهار رابطه قوی جامعه با خداست. جامعه خود را از آن خدا می داند و حرکت خود را به سوی کمال مطلق جهت می دهد.
 - ایمان به عدالت موجب می شود عدالت در همه ابعاد خود در زندگی مردم بروز و ظهور داشته باشد
 - ایمان به امامت و رهبری و واگذاری هدایت جامعه به فردی عالم- آزاده، عادل، باتقوی، شجاع، مدیر و مدبر برای مردم اطمینان بخش خواهد بود
 - تحقق کرامت انسانی از تبعات و آثار ایمان به خداوند، وحی، معاد و امامت است محدودیت آزادی، عدم تعدی به شرافت و حقوق دیگران و نیز عدم تعدی به کرامت و شرف خویش است.
- بر پایه این اصول قسط و عدل و ... تامین می شود.

اصول و سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

دینی بودن نظام جمهوری اسلامی از مهمترین اصول حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است. این امر مبتنی بر ضرورت سنخیت و هماهنگی مدیریت کشور به ویژه از حیث محتوی و جهت گیری با باورهای مردم است.

برخی نظام‌های سیاسی قائل به تفکیک و دوگانگی دین و حکومتند. بعضی از نظامها رسمیت دین را پذیرفته اند اگر چه در حدود تاثیر پذیری از احکام دینی رویکردهای متفاوتی دارند. گاه به رسمیت سنتی و تشریفاتی دین اکتفا کرده اند و در مواردی دین و مذهب را در تمام سطوح حکومت نقش داده مدیریت کشور را تابع ضوابط و احکام دین شمرده اند.

اصل ۱۲ قانون اساسی مقرر می دارد:....

بنابراین جمهوری اسلامی یک نظام شریعتمدار و دین محور است که مدیریت کشور را در همه سطوح متأثر از دین می داند.

در اصل چهارم قانون اساسی آمده است:....

ضرورت ابتدای قانونگذاری بر منابع شرعی در اصول متعدد قانون اساسی تصریح شده است. مانند: اصل ۷۱، ۹۴، ۱۷۰ و... در امر قضا نیز چنانچه اصل ۶۱، ۱۵۷، ۱۶۳ و ۱۶۷ قانون اساسی مقرر داشته است احکام شرعی مورد توجه قرار می گیرد. در مدیریت اجرایی کشور نیز دین و ضوابط شرعی موقعیت ممتازی داشته و اصول متعدد قانون اساسی بر آن تاکید نموده است.

اصول و سیاستهای کلی نظام :

- با توجه به رسمیت فراگیر دین جمهوری اسلامی مدیریت کشور باید بر اساس احکام اسلامی باشد.
- لزوم وحدت نظام حقوقی در کشور موجب شده است تا از بین مذاهب اسلامی مذهب اکثریت مردم ایران (تشیع) مبنای قوانین و مقررات حاکم در جمهوری اسلامی باشد.
- شیعه اصطلاحی است که از زمان پیامبر(ص) درباره دوستان و بعد از پیامبر (ص) در خصوص پیروان امام علی(ع) استعمال می شده است. چنانکه فرموده است:

یا علی انت و شیعتک خیر البریه

قانون اساسی مذهب شیعه جعفری اثنی عشری را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام کرده است.

در اصل دوازدهم قانون اساسی آمده است:....

- رسمیت تشیع در ایران موجب بی توجهی به حقوق سایر مذاهب اسلامی نشده است. اهم این حقوق عبارتند از:
- حق زندگی توأم با احترام.
 - حق آزادی در تعلیم و تربیت مذهبی.
 - حق رعایت احکام مذهبی خاص خود در احوال شخصی.
 - رسمیت نسبی مذهب در مدیریت مناطقی که دارای اکثریت هستند.

- حق بهره مندی از آزادیهای سیاسی و اجتماعی به عنوان شهروند ایرانی، رسمیت دین اسلام در جمهوری اسلامی مانع از تاکید بر رعایت حقوق اقلیت های دینی نشده است. غیر مسلمان را می توان در دو گروه " اهل کتاب" و غیر آنان طبقه بندی کرد قانون اساسی پیروان مسلک های غیر الهی را به رسمیت نمی شناسد زیرا درستی ادعای آنان را در دین دارای اعتبار نمی شمرد.

کفار اهل کتاب عبارتند از پیروان حضرت زرتشت(ع)، یهودیان و پیروان حضرت مسیح(ع). اهل کتاب در دولتهای اسلامی همیشه از آزادی و احترام برخوردار بوده و در آرامش زندگی میکرده اند و این ناشی از تاکید منابع دینی بر رفتار مسالمت آمیز با آنان است. قانون اساسی در این باره به آیه ۸ سوره ممتحنه استناد کرده است که می فرماید: "خداوند متعال شما را از دوستی و دادگری نسبت به همه کسانی که با شما به سبب پابندیتان به دین جنگ نکرده و شما را از وطن هایتان نرانده اند نهی نمی کند. با آنان به عدالت و انصاف رفتار کنید چرا که خداوند مردم عادل و دادگستر را دوست می دارد."

در اصل چهاردهم با تاکید بر آیه مذکور آمده است:....

اصل سیزدهم نیز مقرر می دارد:.....

"مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی"

از اصول حاکم به نظام جمهوری اسلامی است. قانون اساسی در اصول مختلف بر ضرورت مردمی بودن نظام تاکید کرده است. به موجب بند ۸ اصل سوم قانون دولت موظف است امکانات خود را بمنظور مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش بکار گیرد.

اصل ششم مقرر می دارد:....

و در همین راستا در اصل هفتم رویکرد فراگیر قانون اساسی به جلب مشارکت مردم در مدیریت کشور مورد توجه واقع شده و با استمداد از منابع دینی بمنظور تقویت این سیاست آورده است:

"طبق دستور قرآن کریم".....

" آزادی "

آزادی اصل دیگری است که حاکم بر سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی است. آزادی شرط لازم در رشد فضائل اخلاقی و استعدادهای انسانی است، فعلیت شرافت انسانی متوقف بر آزادی اوست. و به همین دلیل در قرآن کریم هدف دعوت پیامبران را "آزادی انسان" شمرده است. (اعراف/۱۵۷) انسان حق انتخاب دارد و در برابر این حق مسئول است. انسان آزاد است به نیکی گراید یا به زشتی و البته او نسبت به انتخاب خویش پاسخگوست.

در حقوق اسلام آزادی انسان از دو جهت محدودیت دارد:

۱- انسان نمی تواند با استفاده از آزادی به شرافت و نفاست انسانی خویش لطمه زند و کرامت نفس خود را نادیده انگارد.

۲- انسان نمی تواند به بهانه آزادی کرامت و حقوق دیگران را مورد تعدی قرار دهد. و بدیهی است کسی که منزلت خویش را پاس نمی دارد نمی تواند به حقوق و منزلت دیگران احترام بگذارد.

آزادی یک حق طبیعی و ناشی از مالکیت ذاتی انسان نسبت به نفس خویش است. آزادی انسان در اصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. بموجب اصل سوم قانون اساسی تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون از وظایف دولت جمهوری اسلامی است.

فصل سوم قانون اساسی در باب حقوق ملت به صورتهای متنوع آزادی های فردی و اجتماعی را مورد حکم قرار داده است.

در خصوص آزادیهای فردی در اصل ۲۸ به آزادی شغل پرداخته و داشته است:....

اصل ۳۱ در خصوص آزادی مسکن آورده است:.....

اصل ۳۱ بر آزادیهای سیاسی و تشکیل اجتماعات تصریح نموده مقرر می دارد:....
آزادی بیان در اصل ۲۴ مورد تاکید قرار گرفته و آورده است:....

استقلال:

تاکید به هویت ملی و تکیه بر اراده ملی موجب شده است تا تامین استقلال از اهداف جمهوری اسلامی قلمداد شود.

قانون اساسی تامین استقلال کشور را به عنوان هدف نظام جمهوری اسلامی از وظایف دولت دانسته است.

استقلال دارای ابعاد مختلفی است:

- استقلال سیاسی
- استقلال اقتصادی
- استقلال فرهنگی
- استقلال نظامی

وابستگی فرهنگی مذوم ترین شکل وابستگی است که موجب زوال استقلال اقتصادی و سیاسی میگردد.

از آثار وابستگی فرهنگی سنجش امور در حوزه های اقتصادی و گرایش های سیاسی و اقتصادی با ملاکها و موازین بیگانه است.

قانون اساسی هر یک از وجوه استقلال را با حساسیت بسیار مورد توجه قرار داده است. در خصوص جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه به موجب بند ۱۳ اصل سوم تامین خود کفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها را از وظایف دولت شمرده است و در اصل ۴۳ آورده است:.... بند ۸ جلوگیری از ...

همچنین اصل ۱۵۳ مقرر می دارد:.....

وحدت :

وحدت ملی.

وحدت فراملی.

علاوه بر جغرافیا ، در تامین وحدت ملی عواملی مانند: هویت تاریخی، احساسات و اهداف مشترک نیز از عوامل موثر در این امر هستند.

علاقی و اهداف مشترک از باورها و اعتقادات مشترک ناشی می شود .

- دین و مذهب رسمی منشاء بسیاری از اهداف متحد و احساسات مشترک است.

- زبان و خط نیز که وسیله مشترک ارتباط است زمینه های همگرایی و وحدت بیشتر را فراهم می کند .

در اصل پانزدهم قانون اساسی آمده است:....

شورای نگهبان در نظریه شماره ۲۹۴۴ مورخ ۶۰/۴/۲۰ خود رجوع محاکم به منابع فقهی عربی به عنوان "متون رسمی" را مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی می داند .
بدلیل آمیختگی زبان فارسی با زبان عربی قانون اساسی به آموزش زبان عربی تاکید داشته و در اصل ۱۶ آورده است:....

وحدت فراملی

محور وحدت فراملی باورها و معتقدات دینی است.

اصل یازدهم با تکیه بر آموزه های اسلامی مقرر می دارد: به حکم....

"بندگی خداوند" که هدف مشترک و جهت دهنده به حرکت فردی و اجتماعی مسلمانان است عامل اساسی وحدت فراملی است. امت در لغت جامعه انسانی است که قصد و آهنگ مشترکی دارند.

محور وحدت، اسلام است. اختلاف مذاهب مانع تحقق وحدت اسلامی نیست.

وحدت امت اسلامی یک امر اعتقادی و استراتژیک است.

سیاست خارجی کشور باید در راستای تحقق وحدت اسلامی و بر اساس معیارهای

دینی، حمایت از مصالح ملی و دفاع از امت اسلامی باشد.

بسیاری از وظایف و سیاستهای کلی در اصل سوم قانون اساسی تعیین شده است.

در صدر اصل سوم آمده است:

دولت جمهوری اسلامی... به کاربرد:

مراد از دولت در اصل سوم همه ارکان حکومت و قوای سه گانه است.

بند یک اصل سوم مهمترین و اولین وظیفه دولت را ایجاد محیط مساعد برای رشد

فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی دانسته است.

دولت مکلف است با برنامه ریزی اصولی در جهت :

- تقویت زمینه های رشد و بالندگی اخلاقی

- حذف شرایط جرم خیزی و انحراف

امکان شکوفایی کرامت انسانی را بر اساس ایمان و تقوی فراهم سازد. تحقق هدف ارتقاء فضائل اخلاقی در جامعه مستلزم وجود دولتی پاک، با تقوی و فضیلت گراست. ارتقاء سطح آگاهی های عمومی تکلیف دولت است. به موجب بند ۲ اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است همه امکانات خود را برای تحقق امر زیر بکاربرد:

«بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسائل دیگر».

۱- شرط کمال معنوی علم و آگاهی است.

۲- تحقق کرامت انسانی منوط به ارتقاء فهم و آگاهی های عمومی است.

۳- رشد فکری شرط لازم مشارکت مردم در امور سیاسی و تعیین سرنوشت خویش است.

رسانه های گروهی نقشی موثر و اساسی در جهت رشد و بالندگی جامعه دارند. اثر بخشی مطبوعات در جهت ارتقاء درایت، آگاهی و توسعه دانایی مشروط به "استفاده صحیح" از آن است.

مطبوعات و رسانه ها ممکن است در مواردی به وسیله انحراف و به عنوان ابزار سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیگانه تبدیل شوند.

اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر می دارد:....

"آزادی" مطبوعات شرط لازم در کار آمدی آنها بمنظور نشر حقایق و "استفاده صحیح" از رسانه هاست.

توجه به امر آموزش و ارتقاء سطح دانش مردم از تاکیدات دین اسلام است زیرا علم و دانایی بستر و زمینه مناسب رشد انسانی را فراهم می سازد .

قانون اساسی اهتمام به امر آموزش و پرورش را از تکالیف دولت دانسته و در بند ۳ اصل سوم آورده است:

۳- " آموزش و پرورش " و " تربیت بدنی " رایگان.....

بموجب اصول قانون اساسی

آموزش و پرورش همگانی و تا سطح متوسطه رایگان است.

اصل ۳۰ قانون اساسی مقرر می دارد :....

تکلیف دولت به آموزش رایگان منوط به توانایی است و چنانچه شورای نگهبان در نظریه مورخ ۶۳/۵/۱۷ خود تصریح کرده است .(با عدم امکانات دولت با رعایت اولویت ها اقدام می نماید.)

تامین استقلال علمی و اقتصادی مشروط به حمایت از امر تحقیق و پژوهش است.

در بند چهارم از اصل سوم آمده است: دولت جمهوری اسلامی.....

۴- تقویت روح بررسی و تتبع.....

نقش علم و فن آوری در قدرت و استقلال ملی موجب شده است که مبارزه با فقر علمی و تقویت روح پژوهش و تحقیق در راستای تامین خود کفایی از اهمیت بیشتری برخوردار شود از این رو
بکارگیری امکانات لازم بمنظور تامین خود کفایی در علوم و فنون از وظایف دولت جمهوری اسلامی شمرده شده و در بند ۱۳ اصل دوم آمده است:
تامین خود کفایی.....

حاکمیت و رهبری:

مراد از حاکمیت ویژگی بر جسته و بارز قدرت است.
اقتدار قاهره ای است که منشاء صلاحیت هاست و بی هیچ وابستگی بالاترین قدرت است.

اصل ۵۶ قانون اساسی در خصوص منشاء حاکمیت آمده است:.....

حق حاکمیت بالاصاله متعلق به خداوند جل و علا است.
حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش ناشی از اراده خداست.
حاکمیت تکوینی و تشریحی بالذات از آن خداوند است. در قرآن کریم آمده است:
حکم و فرمان تنها از آن خداوند است به حق فرمان می راند و او بهترین حکم فرمایان است. (انعام/۵۷)
حق انسان در تعیین سرنوشت سیاسی خویش ناشی از اراده خداوند است.
بر اساس این حق خدادادی مردم خود مسیر رشد و کمال خویش یا طریق فساد و تباهی را بر می گزینند.
حق مردم در انتخاب دلالت بر حقانیت منتخب مردم ندارد.
مردم نسبت به اعمال حق خویش مسئولند.
مشروعیت مسیر انتخاب شده به وسیله مردم ناشی از حق آنها در تعیین سرنوشت خویش نیست بلکه مشروعیت رای مردم باید با معیارهای دیگری سنجیده شود که ملاک حق و باطل است.

چنانکه خداوند راه را می نمایاند و مردم با بهره گیری از حق انتخاب خود راه رشد را بر می گزینند یا مسیر زشتی را :

انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا

مردم حق حاکمیت بر سرنوشت خویش را از خداوند اخذ کرده اند.
ملت ایران در مقام استیفاء حق تعیین سرنوشت خویش حاکمیت الهی را در چار چوب قانون اساسی پذیرفته اند.
حق حاکمیت یک موهبت و امانت الهی نزد مردم است که باید آنرا در مسیر کمال و تعالی بکارگیرند و این امانت را از دست خود کامگان و ناپاکان بدور دارند.

انتخاب حاکمیت خداوند از نظر مردم ایران شایسته ترین انتخاب در مسیر رشد و بالندگی است.

اعمال حاکمیت خداوند در چارچوب یک دولت دینی یک وظیفه شرعی قلمداد شده است. فقیهان اسلامی از گذشته درباره ضرورت فعلیت حاکمیت الهی سخن گفته دین و حکومت را دو همراه تفکیک ناپذیر شمرده اند و در این راستا به نظریه پردازی در خصوص امر امامت و رهبری و طرح موضوع ولایت فقیه در عصر غیبت امام عصر(عج) پرداخته اند. متفکران اسلامی در دوران غیبت اگر چه بر لزوم انتظام امور اجتماعی مسلمانان بر مدار احکام دینی اتفاق دارند اما در خصوص چگونگی تشکیل دولت و حدود اختیارات و دامنه نفوذ آن دیدگاههای متفاوتی ابراز کرده اند و گاه متأثر از ضرورتها و محدودیتهای موجود به طرح نظریات خود پرداخته اند.

به موجب نظریه امام خمینی ره تشکیل حکومت اسلامی یک تکلیف دینی و یکی از احکام اولیه اسلام است که بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج مقدم است.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متأثر از دیدگاههای حضرت آیه العظمی امام خمینی نظم یافته است .

در مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان حکومت اسلامی آمده است :
 طرح حکومت اسلامی..... ساخت.

در مقدمه قانون اساسی به شیوه حکومت در مکتب اسلام پرداخته و مبانی فکری اصول قانون اساسی در این زمینه را بدینگونه توضیح می دهد: " حکومت از دیدگاه اسلام پرورش یابد.

حکومت در اسلام:

حکومتی پویا است که ریشه در باورها و معتقدات مردم دارد و هدف آن صیورت الی الله است.

در حکومت اسلامی صالحان و فرهیختگان عهده دار حکومتند.

در مقدمه قانون اساسی آمده است:

"در ایجاد نهادها..... نمی تواند باشد." [ذیل عنوان شیوه حکومت در اسلام]

تحقق اهداف مذکور نیازمند رهبری جامعه بوسیله فردی شایسته و صالح است تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.

موضوع رهبری از مهمترین بخش های قانون اساسی است که از آن به عناوین مختلفی مانند : امامت مستمر، ولایت امر، رهبری و ولایت فقیه یاد شده است.

اصطلاح ولایت با توجه به معانی لغوی آن به مفهوم تدبیر و قدرت تاثیر گذاری بر امور دیگر آمده است.

از این رو ولایت گروندگان و مومنان بر یکدیگر که در آیات قرآنی آمده است حاکی از تحت تاثیر یکدیگر واقع شدن در جهت صلاح و رستگاری است. در اندیشه دینی ولی صالح کسی است که با به عهده گرفتن امر مردم همراه و همفکر آنان با تدبیر اثر بخش خود صیورت الی الله را محقق می سازد. در عصر حضور شایستگان صالح در تصدی امر ولایت و حکومت ائمه هدی هستند اما در عصر غیبت چه کسانی سزاوار امر حکومتند؟ برخی در مقام اثبات ضرورت رهبری عادل (ولایت فقیه) به دلایل و مدارک نقلی تمسک جسته اند.

اما گروهی دیگر پذیرش ولایت فقیه را به دلالت عقل توجیه کرده اند. انتظام امور جامعه اسلامی متوقف بر وجود رهبری و امامت شایسته است. شرایط رهبر اسلامی باید متناسب با اهداف، باورها و معتقدات جامعه باشد. رهبر در جامعه اسلامی باید دارای چه ویژگی های باشد؟

شرایط رهبر در جامعه اسلام:

۱- خردمندی و درایت

به دلالت عقل و نیز مدارک دینی درایت و خردمندی از شرایط لازم برای حاکم است بلکه نه فقط عقل متعارف بلکه شرط رشد و کمال عقلی ظروری است.

۲- اسلام و ایمان

لزوم واگذاری مدیریت یک جامعه اسلامی به فردی مسلمان و مومن امری بدیهی است. به علاوه مدارک دینی ولایت و تفوق غیر مسلمان بر مسلمان را منع کرده است.

در قرآن کریم آمده است:

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولیهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین (مائده/۵۱)

۳- شرط عدالت:

جامعه ای که در صد اقامه عدالت الهی است؛ باید به وسیله افرادی مدیریت شود که به وصف عدالت آراسته باشند. زیرا کسی که خود از عدالت بدور است چگونه می تواند برپاکننده عدالت باشد.

عدالت در جامعه به معنی واقع شدن هر امر در محل و موضوع شایسته و سزاوار آن است.

منابع دینی بر ضرورت شرط عدالت در رهبر جامعه موکدا تصریح داشته و امر حکومت را به امام عادل مخصوص کرده اند.

در قرآن کریم آمده است:

ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار(هود/۱۱۳)

امام علی(ع) می فرمایند: "عدلت ترازوی خداوند است که آنرا در میان خلق نهاد تا بدان حق برپای داشته شود. پس خداوند را در ترازویش نافرمانی نکنید و با سلطنت او به معارضه بر نخیزید."

شرط چهارم

۴- دانش و فقاہت:

به دلالت عقل کسی می تواند مردم را در مسیر شرع رهبری کند که خود عالم به شرع بوده در تشخیص طریق صحیح در راستای مراد شارع و اهداف جامعه توانا باشد. سیره عقلا نیز مؤید ضرورت آگاهی زعیم هر جامعه بر چگونگی حرکت آن مبتنی بر اصول و باورهای پذیرفته شده است.

خدای بزرگ در مقام تنبیه غفلت کنندگان از لزوم واگذاری امر رهبری به دانشمند ترین فرد جامعه می فرماید:

آیا آنکس که راهنمای حق است سزاوارتر است که پیروی گردد یا آنکس که راه نمی برد مگر اینکه هدایتش کنند؟
شما را چه می رسد؟
چگونه حکم می کنید؟

(یونس/۳۵)

جامعه اسلامی در مقام بالندگی و شکوفایی خویش در طی مراتب کمال الهی باید از مدیریتی برخوردار باشد که بتواند بدرستی مسیر را تشخیص و مراد شارع را در جهت گیری های جامعه بیابد.

از این دانش و توانایی به فقاہت یاد شده است.

بنابراین به دلالت عقل مدیر جامعه اسلامی باید با فقه و حقوق اسلامی آگاهی کامل داشته باشد و بلکه عالمترین فردی که قوی ترین بینش فقهی دارد عهده دار این امر گردد. چنانچه پیامبر(ص) واگذاری امور مردم به فردی که عالم تر از او نسبت به احکام دینی در جامعه وجود دارد را خیانت به خداوند، خیانت به رسول و خیانت به مردم دانسته است.

۵- قدرت و توانایی:

رهبر باید دارای قدرت و توانایی لازم جسمی و روحی در اعمال مدیریت و رهبری باشد.

۶- تدبیر:

تدبیر به معنی فرجام اندیشی و توانایی تحلیل درست امور است که مستلزم آگاهی نسبت به چگونگی و کیفیت کشور داری، فنون مدیریتی و خواسته های اجتماعی است.

از شرط قدرت و تدبیر به عنوان "حسن الولاية" یاد شده است.

به حکم عقل "تواناترین" و "مدبرترین" فرد جامعه شایسته تر از افراد توانا و با تدبیر دیگر برای تصدی امر حکومت است.

۷- تقوی:

رهبر جامعه اسلامی که وظیفه هدایت جامعه در مسیر رشد و تقوی را بر عهده دارد خود نیز باید از خصلت های مذموم بدور بوده موصوف به وصف تقوی باشد.
امام علی (ع) می فرماید:
امر خدا را تنها کسی می تواند اجرا کند که سازشکار نبوده و خود را شبیه دیگران نسازد و از فرمان طمع ها پیروی نکند.

بنابر آنچه گفتیم:

- ۱- تدبیر امور جامعه متوقف بر تشکیل دولت است.
- ۲- جامعه اسلامی به عنوان جامعه ای جهت دار، متحول و پویا بی نیاز از حکومت نیست.
- ۳- در عصر حضور تشکیل دولت و امر حکومت به رهبر معصوم واگذار شده است.
- ۴- ضرورت وجود حکومت و انتظام جامعه اسلامی در عصر غیبت تردید ناپذیر است.
- ۵- در عصر غیبت کسی صلاحیت رهبری و مدیریت جامعه اسلامی دارد که دارای شرایط متناسب با اهداف و جهت گیری جامعه پویای اسلامی باشد.
- ۶- این شرایط به حکم عقل عبارتند از: خردورزی، اسلام و ایمان، عدالت، تقوی، مدیریت، تدبیر و آشنایی به حقوق اسلامی.
- ۷- علاوه بر دلالت عقل منابع دینی نیز بر ضرورت وجود شرایط مذکور تاکید داشته و گذاری امر حکومت به افضل جامعه در هر یک از شرایط مذکور را لازم می دانند به نحوی که رهبری جامعه به بهترین و شایسته ترین فرد سپرده شود.
- ۸- از نظریه ای که موجب آن امر به صالحترین و فرزانه ترین شخص جامعه اسلامی واگذار میگردد به عنوان نظریه "ولایت فقیه" یاد می شود.
- ۹- اصل ولایت فقیه یک نظریه مترقی و مبتنی بر عقل است.
- ۱۰- رهبر در جامعه اسلامی اعمال کننده حاکمیت خداست و خداوند فقط به ولایت کسی رضایت دارد که شایسته ترین فرد جامعه باشد.

شرایط رهبری در قانون اساسی:

اصول پنجم و بکصدونهم شرایط لازم برای تصدی امر رهبری را بر شمرده است.
در اصل پنجم آمده است: ...
اصل یکصد و نهم تحت عنوان شرایط و صفات رهبر آورده است:
قانون اساسی شرط فقاقت و آشنایی با حقوق اسلامی را از مهمترین شرایط رهبری ذکر کرده.

اجتهاد و تخصص در همه ابواب مختلف فقه را ضروری شمرده است.
- تقوی که موجب آزادگی و شجاعت انسان میگردد و نیز عدالت از دیگر ویژگی های مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم است.

- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی که ناشی از درک عمیق و شناخت دقیق مسال سیاسی و اجتماعی در سطوح ملی و بین المللی است از دیگر شرایط رهبری است.
 - "تدبیر" آینده نگری و فرجام اندیشی از شرایطی است که به موجب اصل ۱۰۹ رهبر باید از آن برخوردار باشد.
 - "شجاعت" که به موجب قاطعیت و جسارت در دفاع از آرمانهای انقلاب، مردم و مصالح آنهاست از دیگر شرایط رهبری است.
 - "مدیریت و قدرت" کافی برای انجام وظایفی که برای رهبر پیش بینی شده از شرایط لازم برای رهبری ذکر شده است.
- شرایط مذکور در قانون اساسی شرایط حداقلی است و این به معنی آن است که همه کسانی که در معرض انتخاب شدن به عنوان رهبر هستند باید تمام شرایط ذکر شده را دارا باشند و از بین کسانی که واجد اوصاف مذکور هستند بهترین، صالحترین و شایسته ترین فرد برگزیده شود.

کیفیت تعیین رهبر:

نظریات مختلف درباره چگونگی ثبوت امامت و تعیین زعم جامعه اسلامی شکل گیری گروهها و فرقه های مختلفی را موجب شده است برخی از این نظریات عبارتند از :

- نظریه نصب
- نظریه بیعت و انتخاب
- نظریه ولایتعهدی
- نظریه تسلط با قهر و غلبه

چگونگی تعیین رهبر:

حقوقدانان و فقیهان اسلامی در چگونگی تعیین رهبر دیدگاههای متفاوتی مطرح کرده اند.

نظریه نصب:

براین باور است که زعم جامعه اسلامی بوسیله رهبر پیشین و یا به دلالت نص موجب انعقاد امامت می داند.

امامیه پیشوای امام معصوم را به وجود نص مسلم می دانند و آنرا مهمترین دلیل بر امامت ائمه هدی برشمرده اند و در عصر غیبت نظریه مشهور، نصب عام فقیه یعنی نصب به شرایط را تقویت کرده اند.

نظریه ولایتعهدی وارث:

برخی یکی از طرق تعیین امام را علاوه بر نص، میراث دانسته اند.

قهر و غلبه:

به عقیده گروهی از اهل سنت انعقاد امامت با تکیه بر زور و پیروزی نظامی نیز تحقق می یابد.

این قدامه، حنبلی، نووی از شافعیه و... از این نظریه دفاع کرده اند. فقیهان امامیه اجماعاً این نظر را مردود شمرده اند.

نظریه دیگری که درباره کیفیت تعیین امام جامعه اسلامی مطرح شده بر تاثیر بیعت و انتخاب در ثبوت امامت تاکید دارد.

فقیهان اهل سنت قائل به انعقاد امامت به بیعت هستند اگر چه در چگونگی بیعت اختلاف کرده اند. برخی انتخاب امام به وسیله اهل "حل و عقد (خبرگان)" را کافی شمرده اند هر چند درباره تعداد خبرگان لازم اختلاف کرده اند.

فقیهان امامیه حاکمیت را منحصر به خداوند دانسته و رای و بیعت مردم را در عصر حضور در انعقاد امامت مؤثر ندانسته اند از این رو رهبر جامعه اگر چه برای اعمال رهبری و مدیریت به مشارکت، حضور و حمایت مردم نیازمند است اما این امر یعنی "بیعت" فقط در امکان فعلیت شأن امامت که به اراده خداوند ثبوت یافته مؤثر است و نه در انعقاد آن.

در چگونگی تعیین رهبر در عصر غیبت دو دیدگاه مطرح شده است.

نظریه مشهور بر نصب رهبر بر نحو عام برسپله شارع تاکید دارد و نظریه دیگری که در فقه امامیه فاقد سابقه قابل اعتنائی است بر تاثیر انتخاب در ثبوت امامت اصرار می ورزد.

نظریه نصب عام مشهور فقها بر این باورند که رهبر جامعه اسلامی به نصب عام به ولایت منصوب می شود .

مراد از نصب آن است که جعل و نصب بدون توجه به شخصی معین بر روی عنوان کلی آمده است. یعنی شارع شرایط لازم را برای تشخیص فرد صالح تعیین می کند. شرایطی که بر فرزانه ترین و صالحترین فرد امت، اسلامی منطبق است و شارع بدون ذکر نام و صرفاً با بیان شرایط او را به امامت نصب کرده است. و مردم باید تلاش کنند تا وی را شناسایی و برای تشکیل دولت یاری دهند.

بنابراین مشروعیت ولایت و حکومت رهبری ناشی از اراده مردم نیست بلکه فعلیت امامت و ولایت وی منوط به خواست مردم شده است.

ادله و مستندات نظریه نصب:

برخی در اثبات نظریه نصب به مدارک روایی و مستندات شرعی تمسک جسته اند و به ویژه به دلایل و مدارکی که حاکی از صلاحیت دانشمندان صالح در تصدی امر ولایت است استناد کرده اند.

نظریه نصب:

روایات متعددی مورد استناد فائیلین به نظریه نصب قرار گرفته است: محمدبن عثمان از نواب حضرت مهدی (عج) طی نامه ای پرسشهایی را مطرح می کند و آن حضرت در پاسخ می فرماید:

.... واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواه حديثنا فانهم حجتى عليكم وانا حجه الله عليهم
 و اما حوادثی که به وقوع می پیوندد در آن به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنان حجت من بر شمايند و من حجت خداوند بر آنان هستم.
 مراد از حوادث هر امری است که عرفا یا شرعا مردم در مورد آن باید به امام و رهبر خویش مراجعه کنند. در روایت دیگری آمده است که مردی از یاران امام صادق (ع) می گوید:
 از امام صادق (ع) درباره دو نفر از یارانمان که بین آنها نزاعی رخ داده و محاکمه را نزد سلطان یا قاضی بردند پرسش نمودم که آیا چنین کاری رواست؟
 امام فرمودند: کسی که در مورد حق یا باطلی محاکمه را به نزد آنان ببرد بی گمان محاکمه به نزد طاغوت برده است.. با آنکه خداوند فرموده است :
 " یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به "
 اینان می خواهند محاکمه به نزد طاغوت برند با آنکه دستور داده شده اند که به آن کفر بورزند.

(نساء/۶۰)

عرض کردم پس چه باید بکنند. امام فرمودند:
 بنگرند و دقت کنند در میان شما آنکس که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما ابراز نظر می کند و احکام ما را می شناسد وی را به عنوان حکم قرار دهند چرا که من او را حاکم شما قرار دادم.....

نظریه نصب عام:

برخی از فقیهان قائل به نظریه نصب در اثبات تئوری ولایت فقیه به دلایل عقلی متمسک شده و چنین استدلال کرده اند :

- اسلام دین حکومت است و بی توجهی به این امر در عصر غیبت به معنی تعطیل شدن و کنار نهادن دین و احکام آن است.
- برای تشکیل و اداره حکومت رهبر لازم است.
- هیچ دلیلی به منع فقیه در تصدی امر ولایت و رهبری وجود ندارد.
- بنابراین حکومت بوسیله فقیه جایز و مشروع است.
- اگر کسی واجد شرایط لازم برای رهبری (مانند فقاہت) نباشد نمی تواند مسئولیت رهبری جامعه راعهده دار شود.

زیرا در جواز رهبری فقیه تردیدی نیست اما در ولایت دیگران تردید است از اینرو با تمسک به اصل اولی "لا ولایه لاحد علی احد" جواز ولایت غیر فقیه نفی و ولایت یقینی فقیه ثبوت می یابد بر این اساس مردم نمی توانند ولایت مشکوک و غیر قطعی را پذیرا شوند.

*برخی گفته اند:

اولا: نظر داشتن شارع بر امر حکومت یک امر یقینی است زیرا شارع مردم را رها نگذارده است. رجحان افضل بر مفضول نیز نزد شارع یقینی است.

بنابراین فقط ولایت اصلح و افضل از نظر شرع متعین می‌گردد. و صالح و فاضل گرچه به خواست مردم حق ولایت و رهبری نمی یابند.

نظریه انتخاب:

به موجب این نظریه اراده مردم در ثبوت و انعقاد امامت و رهبری موثر است. قائلین به این نظریه در اثبات دیدگاه خویش به مدارک نقلی استناد کرده اند و اهم دلایل خود را چنین بر شمرده اند:

- انسان خلیفه خداست.
- مردم مخاطب قرآن در اجرای احکام دینی هستند.
- دعوت مردم به شور و مشورت در امر حکومت.
- حق سلطه مردم بر اموال و سرنوشت خویش.
- بیعت مردم با پیامبر (ص) و امام علی (ع) در امر حکومت.
- سیره عقلا.

نظریه انتخاب:

به موجب این نظریه رای و اراده مردم در ثبوت و مشروعیت امامت و رهبری موثر است قائلین به این نظریه به دلایل نقلی مانند خلیفه الهی انسان، قاعده تسلیط، سابقه امر بیعت در اسلام و ... استناد کرده اند.

غالب قریب به اتفاق فقیهان شیعی دلایل مذکور را در اثبات این امر مردود دانسته اند زیرا همه دلایل مذکور در عصر حضور نیز قابل استناد است در حالی که تردیدی در ثبوت ولایت پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) نیست.

بنابراین امر امامت از ناحیه شارع ثبوت می یابد. اما فعلیت و اعمال امامت و رهبری متوقف بر پذیرش مردم است. به عبارت دیگر امام مکلف به تشکیل دولت دینی است. و مردم نیز موظف به یاری و کمک به وی در اقامه حکومت عدالت است. امر امامت و رهبری از امور مربوط به خداست.

چگونگی تعیین رهبر:

برخی گفته اند شاید بتوان دو نظریه نصب و انتخاب را بصورت طولی جمع کرده چنین گفت که شارع فقیه واجد شرایط "منتخب مردم" را به امامت "منصوب" کرده است. این دیدگاه از آن جهت که شرایط فعلیت امامت را از شرایط ثبوت آن ذکر کرده است محل ایراد است.

زیرا شارع صالحترین فرد است اسلامی را رهبر قرار داده است حتی اگر مردم نپذیرند. واقع امر آن است که نتیجه اعمال هر دو نظریه در عمل از جهت تعیین یا تشخیص رهبر یکسان است.

زیرا در هر دو نظریه بر ضرورت رعایت شرایط رهبری تاکید شده بموجب نظریه نصب مردم باید شایسته ترین فردی که واجد شرایط لازم است را بیابند وی را که از ناحیه شارع به امامت نصب شده است کشف کنند و در نظریه انتخاب نیز مردم باید فرد اصلح را بیابند و با وی بیعت کرده او را امام خویش قرار دهند. بنابراین بموجب هر دو نظریه ولایت جامعه اسلامی را فرد اصلح و افضل عهده دار میگردد.

چگونگی تعیین رهبر در قانون اساسی:

قانون اساسی محور مسائل مربوط به رهبری را نظریه نصب قرار داده و "مقبولیت عامه" را به عنوان معیار ثانوی در تعیین رهبر قلمداد کرده است.
اصل ۱۰۷ مقرر می دارد:

تعیین و تشخیص رهبر بر عهده مجلس خبرگان رهبری است.
خبرگان به ارزیابی و سنجش توانمندیهای فقهای واجد شرایط می پردازند تا بهترین و شایسته ترین آنها را کشف کنند.
اگر فردی را در هر یک از شرایط مذکور در اصل ۱۰۹ اصلح بیابند همان را به عنوان رهبر معرفی می کنند لکن اگر چند نفر دارای شرایط مذکور باشند و افضلیت یکی در همه شرایط محقق نباشد.

خبرگان کسی را بر می گزینند که اعلم به مسائل فقهی باشد.
و اگر آنان از نظر علمی در سطح یکسانی باشند کسی که بینش سیاسی قوی تری دارد ارجح خواهد بود و چنانچه از این جهت نیز در سطحی مشابه باشند کسی که دارای مقبولیت عامه است مقدم خواهد بود و در صورت تشابه شرایط، کسی که در یکی از شرایط مذکور برجستگی خاصی داشته باشد ترجیح خواهد داشت.
چنانچه حائزین شرایط در همه موارد از وضعیت مشابه و یکسان برخوردار باشند خبرگان یکی را از بین آنان بر می گزینند.

چگونگی تعیین رهبر:

مجلس خبرگان رهبری در خصوص رهبری در خصوص چگونگی تعیین رهبر در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۱ قانونی را تصویب می کند که برخی از مواد آن به شرح زیر است:
ماده ۳: "هرگاه یکی از دو فقیه اعلم و دیگری اتقی باشد، اعلم، مقدم است"
ماده ۴: "هرگاه یکی از دو فقیه در احکام فقهی مربوط به سیاست و اداره جامعه اسلامی (فقه حکومتی) اعلم و دیگری در سایر احکام فقهی اعلم باشد، فقیه اول - به لحاظ برجستگی خاص مقدم است."
ماده ۵: "هرگاه یکی از دو فقیه در مقام اداره جامعه اسلامی اتقی و دیگری در سایر موارد اتقی باشد، فقیه اول مقدم است."
ماده ۶: "هرگاه یکی از فقها، دارای بینش سیاسی یا فقهی قوی تر و دیگری دارای شجاعت و یا قدرت و یا مدیریت بیشتر باشد، فقیه اول مقدم است."
در ماده ۷ همین قانون که در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسیده آمده است:

هرگاه یکی از دو فقیه، در مسائل فقهی غیر حکومتی، از دیگری اعلم و دیگری بینش سیاسیش بیشتر باشد کسی که بینش سیاسی او بیشتر است مقدم است. تعیین رهبر در قانون اساسی به عهده گروه کارشناسی که منتخب مردم هستند واگذار شده است. این گروه طی اقدامات دقیق و همه جانبه خود در صددند تا فرزانه ترین فرد جامعه اسلامی را به امامت برگزینند.

مدت رهبری محدود به زمان نشده است اما این امر به معنی نامحدود بودن رهبری نیست بلکه مدت رهبری منوط به بقاء و دوام شرایطی است که در رهبری شرط شده است و با فقدان و زوال آنها مدت رهبری نیز پایان می پذیرد.

تعیین مدت برای رهبری به معنی تاثیر زمان در صلاحیت رهبری است حتی در مواردی که رهبر شرایط خود را از دست داده باشد این امر با مبانی عقلی و دینی نظریه ولایت فقیه ناسازگار است.

بنابراین رهبر در هر زمان هر چند مدت کوتاهی از رهبری وی گذشته باشد شرایط خود را از دست دهد و یا فردی قوی تر از وی در شرایط مذکور کشف شود بر کنار و با وجود بقاء اصلحیت هر چند در سالهای طولانی همچنان رهبر جامعه اسلامی خواهد بود.

اصل ۱۱۱ قانون اساسی در خصوص پایان رهبری مقرر می دارد:
هرگاه از مقام خود بر کنار خواهد شد.

مجلس خبرگان رهبری:

بمنظور تعیین ولی فقیه و نظارت بر رهبری مجلس خبرگان رهبری تشکیل و نمایندگان آن بوسیله مردم انتخاب می شوند.

مجلس خبرگان رهبری مستقل بوده و کلیه قوانین مربوط به وظایف این مجلس بوسیله نمایندگان آن تصویب می شود.

در اصل ۱۰۸ قانون اساسی در این باره آمده است

عده نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در هر استان از دوره اول تغییر ناپذیر بوده و ۳ نفر است لکن از سال ۱۳۶۵ به ازای هر یک میلیون نفری که به جمعیت هر استان اضافه می شود یک نماینده دیگر به آن استان افزوده میگردد.

خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی.

ب - اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد.

ح - بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز.

د - معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران.

ه - نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی.

تولد یا سکونت نمایندگان در حوزه انتخابیه خود ضروری نیست. مرجع تشخیص دارا بودن شرایط خبرگان به موجب اصلاحیه هشتمین اصلاحیه سالانه مجلس خبرگان (دوره اول) مورخ ۶۹/۴/۲۴ بر عهده فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است.

مجری انتخابات مجلس خبرگان وزارت کشور است و نظارت بر آن به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان می باشد.

رای گیری بصورت مخفی و مستقیم بوده و در سراسر کشور در یک روز انجام می شود.

- پس از برگزاری انتخابات هر یک از خبرگان منتخب مردم در برابر خداوند و مردم مسئولند.
- سمت نمایندگی خبرگان قائم به شخص است اما هر نماینده می تواند با داشتن دلایل و عذر موجه از سمت نمایندگی استعفا دهد.
- استمرار و بقاء شرایط نمایندگان در طول دوره مجلس خبرگان رهبری ضروری است از اینرو چنانچه نماینده ای فاقد شرایط لازم شود یا معلوم شود از اول فاقد بوده است بر کنار می گردد تشخیص فقدان شرایط لازم، حدوثا و بقاء در مورد نمایندگان بر عهده خبرگان است.

تشکیلات مجلس خبرگان رهبری:

- مجلس خبرگان دارای یک هیات رئیسه ، یک دبیرخانه و تعدادی کمیسیون است.
- نخستین جلسه در هر دوره مجلس خبرگان حداقل دوسوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد.
- در اولین جلسه هیات رئیسه سنی تعیین و اداره جلسه افتتاحیه، انجام مراسم تحلیف و اجرای انتخابات هیات رئیسه دائمی را عهده دار می شود.
- هیات رئیسه دائم مرکب از یک نفر رئیس، دو نفر نایب رئیس، دو منشی و دو نفر کار پرداز از میان اعضاء برای مدت دو سال انتخاب می شوند.
- دبیرخانه زیر نظر هیات رئیسه تشکیل و مسئولیتهای علمی و اجرایی مختلفی را بر عهده دارد.
- مجلس خبرگان دارای دو نوع کمیسیون دائمی و موقت است.

کمیسیون های دائمی عبارتند از:

- ۱- کمیسیون سیاسی و اجتماعی .
- ۲- کمیسیون بررسی راه های پاسداری و حراست از ولایت فقیه.
- ۳- کمیسیون امور مالی و اداری.
- ۴- کمیسیون اصل ۱۰۸ قانون اساسی.
- ۵- کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی.
- ۶- کمیسیون تحقیق موضوع اصل یکصدویازده قانون اساسی.

وظایف خبرگان رهبری:

- کمیسیون اصل ۱۰۸
- قانون اساسی دارای ۱۱ عضو اصلی و ۴ عضو علی البدل است.
- کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹
- با هدف آمادگی خبرگان برای اجرای اصل ۱۰۷ و شناخت حدود و شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصدونهم قانون اساسی تشکیل شده است. اعضاء این کمیسیون به بررسی دقیق و موشکافانه هر یک از شرایط رهبری و معیارهای تشخیص و احراز آن می پردازد.
- نتایج بررسی های کمیسیون در خصوص تعریف و ملاک های تشخیص هر یک از شرایط رهبری باید به تصویب مجلس خبرگان برسد.
- کمیسیون تحقیق موضوع اصل ۱۱۱ قانون اساسی به منظور اجرای اصل مذکور تشکیل می شود. که وظیفه آن تحصیل هر گونه اطلاع لازم در رابطه با اصل ۱۱۱، دریافت گزارشات و شکایات و تحقیق و بررسی درباره صحت و سقم آنهاست.
- این کمیسیون دارای ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر علی البدل است که برای مدت دو سال انتخاب می شوند.

- اعضاء کمیسیون تحقیق باید دارای شرایط زیر باشند:
- ۱- فراغت کافی برای انجام وظایف محوله را داشته باشند.
- ۲- از بستگان نزدیک سببی و نسبی رهبر نباشند.
- کمیسیون تحقیق موظب است کلیه گزارشات و شکایات مرتبط با شرایط رهبری را مورد ارزیابی قرار دهد و در صورتی که لازم بداند با مقام معظم رهبری در این زمینه ملاقات نماید.
- کمیسیون تحقیق گزارش بررسی های خود را با ارائه مدارک به هیات رئیسه تقدیم می کند و در صورت وجود شرایط مقرر نسبت به تشکیل اجلاس خبرگان اقدام می گردد.
- رهبر می تواند به هر نحو مقتضی بداند نظرات خود را در رابطه با گزارشات مربوط به اصل ۱۱۱ در مجلس خبرگان مطرح کند.
- نصاب لازم در تشخیص ناتوانی یا فقدان یکی از شرایط مطرح در اصل پنجم و یکصدونهم قانون اساسی، آراء دو سوم نمایندگان مجلس خبرگان است.

خبرگان رهبری:

- مجلس خبرگان رهبری بالاترین مرجع نظارتی و قانونگذاری در جمهوری اسلامی است.
- ماهیت عمل خبرگان می تواند به عنوان "شهادت" و یا به عنوان "کارشناسی" مطرح شود.

اعتبار "نظر کارشناس" و نیز "گواهی و شهادت" مورد پذیرش عقلا و مورد امضاء شارع است.

- کار خبرگان رهبری در مقام تعیین رهبر کشف صالحترین فرد امت اسلامی است و نه اعطای شان رهبری به شخص مورد نظر.
- وظیفه دیگر خبرگان نظارت بر رهبری است که این امر به معنی لزوم تبعیت رهبر از رای و نظر خبرگان نیست. نظارت خبرگان محدود به بقاء شرایطی است که برای رهبری شرط شده است.
- چنانچه رهبر شرایط خود را از دست بدهد خود به خود منعزل است و اقدام خبرگان در واقع کشف عزل است.

وظایف و اختیارات رهبر:

- قانون اساسی در اصول مختلف به حدود وظایف و اختیارات رهبری پرداخته است. در اصل ۵۷ قانون اساسی ولایت فقیه را مطلقه دانسته و مقرر می دارد:.....
- برخی تصور کرده اند "مطلقه بودن ولایت" به معنی عدم مسئولیت حاکم، خود کامگی و حکومت فرا قانونی است. در حالیکه عقل، شرع و نیز قانون اساسی اطلاق ولایت به معنی حکومت بدون قید و ضابطه و خود مذموم و غیر قابل قبول می شمارند زیرا:
- ولایت فقیه در واقع ولایت فقه و حقوق و حکومت اصول و ضوابط است.
 - ضرورت استمرار شرایط رهبری در واقع توجه به آن قیود و تاکید بر عدالت، تقوی و... است.
 - نظارت مجلس خبرگان بر رهبری از فروع اصل ضابطه مندی و مقید بودن رهبر است زیرا وجود نظارت بدون پذیرش قانونمندی مهمل است.
 - معیارهای خبرگان در نظارت بر رهبری از جمله قیود حاکم بر ولایت فقیه است.

ولایت مطلقه:

یک اصطلاح تخصصی فقهی است که در مقابل "ولایت مقیده" مفهوم خاصی از آن اراده می شود به موجب "ولایت مقیده" اختیارات ولی فقیه محدود به احکام اولیه یا ثانویه شرعی بوده و احکام حکومتی نمی تواند فراتر از آن و یا معارض با آن باشد.

به موجب نظریه "ولایت مقیده" در صورت تراحم احکام شرعی با امر حکومت، احکام الهی همیشه مقدم خواهد بود.

به موجب نظریه "ولایت مطلقه فقیه" "حکومت اسلامی" خود از احکام اولیه شرعی است که بر همه احکام شرعی فرعیه مقدم است.

مطلقه بودن ولایت به معنی آن است که دولت می تواند به همه اموری که مدیریت کشور مستلزم دخالت در آن است بپردازد. و در صورت تراحم میان احکام شرعی و مصالح جامعه در مواردی مصلحت حکومت را بر احکام شرع ترجیح دهد.

وجود مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز بسیاری از اختیاراتی که به مراجع قانونگذاری و نیز مقامات اجرایی به منظور تامین منافع و مصالح مردم واگذار شده است ناشی از پذیرش اصل ولایت مطلقه است.

مطلقه بودن حکومت به معنی اختیار حکومت ها در پرداختن به همه اموری که انتظام جامعه متوقف بر آن است در کلیه نظامهای سیاسی پذیرفته شده است.

براساس اطلاق ولایت:

- اختیار دولت در اداره جامعه گسترده بوده و همه امور عمومی جامعه را در بر می گیرد.
- در مواردی که اداره جامعه نیازمند تدبیری است که قانون درباره آن سکوت کرده است، رهبری بمنظور جلوگیری از تزلزل در انتظام امور جامعه اقدام نموده و با فرامین خود، خلا قانونی را جبران می کند.
- در موارد تزامن بین دو حکم شرعی یا قانونی رهبر در مقام اجرای قاعده اهم یکی را بر دیگری ترجیح می دهد.

صلاحیت رفع تزامن بین دو حکم هرگز به معنی فراقانونی بودن یا رجحان شخص نسبت به شرع یا قانون نیست.

لازمه مطلقه بودن ولایت عصمت ولی و حاکم نیست، زیرا:

- حاکم جامعه معصوم یا غیر معصوم باید از اختیارات کافی برای اداره جامعه برخوردار باشد.
 - اختصاص دادن اطلاق ولایت به معصوم به معنی پذیرش حکومت ناقص و چندگانه در عصر غیبت و نادیده انگاشتن بسیاری از مصالح مردم و عدم تدبیر امور آنها در بسیاری از حوزه هاست.
 - اطلاق ولایت به حدود و دامنه اختیارات حاکم مربوط می شود و موضوع عصمت و استبداد ناظر به کیفیت اعمال ولایت است.
 - جلوگیری از ظهور خود کامگی و استبداد مستلزم پیش بینی ساز و کارهایی است که مورد توجه قانون اساسی قرار گرفته است و این امر با موضوع حدود اختیارات دولت و حکومت غیر مرتبط است.
- اختیارات رهبری محدود به امور عمومی و حکومتی است و بطور کلی حکومت نمی تواند در مسائل خصوصی مردم و اموری که مدیریت جامعه متوقف بر پرداختن به آن نیست دخالت نموده آزادیهای مردم را محدود سازد.
- مقام معظم رهبری "آیه الله خامنه ای" در مقام پاسخ به سوالاتی که ولایت مطلقه را اختیارات بدون حد و مرز فقیه قلمداد کرده است اظهار می دارند:

ولایت مطلقه فقیه:

به معنی اختیارات بی حد و مرز نیست" ولی فقیه مانند همه آحاد مردم، محکوم قوانین کشور است" و نمی تواند در منطقه ممنوعه قوانین عمل و اقدام کند، ولایت مطلقه در قانون اساسی دارای مفهومی ممتاز و برجسته است که مجملی از آن عبارت است از این که: در "خلاءهای قانونی" یا در مواردی که مدیران برجسته نظام مصداقی از یک قانون را برخلاف مصلحت بزرگی تشخیص دهند.

ولی فقیه با رعایت همه جوانب و با در نظر گرفتن "مصلحت اهم" می تواند یا "موظف است" به آنان اجازه دهد که بر طبق آن مصلحت اهم عمل کنند. توسل به این استثناء خود یک قانون است که در فقه و هم در قانون به آن پرداخته شده و مجموعه قوانین کشور با آن کامل شده است.

قانونی شدن یک نظریه فقهی در قانون اساسی یا قوانین دیگر موجب جلوگیری از اجتهاد و نظریه پردازی های دیگری که مغایر با حکم قانونی است نمی شود بلکه دولت موظف به تامین زمینه مناسب بمنظور طرح دیدگاههای متفاوت در مجامع علمی است هرچند قائلین به نظریات مختلف در عمل ملتزم به حکم قانونی خواهند بود.



بانک مقالات حقوقی **نشدات**



ارائه رایگان انواع مقالات، جزوات، قوانین،

سوالات، آزمونها و اخبار حقوقی www.nashreedalat.ir

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران:

- بموجب اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

قوه مقننه:

- قوه مقننه تجلی نقش مردم در پذیرش اداره کشور بوده و عهده دار مسئولیت تدوین، وضع و تصویب قانون می باشد.

- صورتهای مهم و متعارف اعمال قوه مقننه:

الف- نقش غیر مستقیم مردم در قانونگذاری که در اصل ۵۸ قانون اساسی به آن تصریح شده است.

ب- اعمال مستقیم قوه مقننه که در اصل ۵۹ قانون اساسی به آن تصریح شده است.

- در اصل ۵۸ قانون اساسی آمده است:

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعدی می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

- اصل ۵۹ قانون اساسی مقرر می دارد:

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

- طرق استثنایی وضع قانون:

۱- تصویب مقررات مربوط به وظایف خبرگان رهبری که در صلاحیت خود آنان است (اصل ۱۰۸ قانون اساسی).

۲- تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت توسط دولت با رعایت شرایط مقرر در اصل ۸۵ قانون اساسی.

۳- تصویب قانون بوسیله شورای عالی امنیت ملی در چارچوب وظایف مقرر در اصل ۱۷۶ قانون اساسی.

۴- برخی از مصورات مجمع تشخیص مصلحت نظام که حکم قانون را دارند.

۵- صدور احکام توسط مقام رهبری در موارد سکوت قانون.

ماهیت کار مجلس شورای اسلامی:

- قانون اساسی حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا می داند.
 - حال آیا وجود مجلس قانونگذاری مغایر با حاکمیت مطلق الهی نیست؟
 - در این زمینه چهار دیدگاه مختلف وجود دارد:
- ۱- وجود مجلس قانونگذاری در نظام اسلامی قابل پذیرش نیست چرا که تشریح مختص شرع انواست و این امر را نمی توان به مجلس واگذار کرد.

- نقد و بررسی:

این دیدگاه کاملاً مردود است، چون منجر به کنار زدن دین از صحنه اجتماعی می شود. انسانها حق دارند در مواردی که از جانت خدا برای آن حکمی نرسیده است، تصمیم گیری کنند.

۲- وجود مجلس شورای اسلامی قابل پذیرش است، لکن نه به عنوان قانونگذار، بلکه به عنوان تدوین کننده قانون. در واقع این فقها هستند که به جعل حکم می پردازند و مجلس صرفاً مقررات شرعی و فناوری فقها را گردآوری و تنظیم می کند.

- نقد:

این دیدگاه نیز با توجه به اصول مختلفی از قانون اساسی قابل پذیرش نیست.

۳- طبق این دیدگاه انشاء قانون مطلقاً در اختیار مجلس قرار دارد و مقررات شرعی هم بدون تصویب مجلس قابلیت اجرایی ندارند.

- نقد:

این دیدگاه نیز قابل پذیرش نیست، چون منجر به برتری یافتن اراده مجلس بر اراده شارع می شود.

۴- براساس این دیدگاه مجلس در دو حیطه عمل می کند:

الف- در مواردی که شارع نسبت به آنها حکمی صادر کرده است، وظیفه مجلس گردآوری و تنظیم مقررات شرعی است، چون خود مجلس هم ملزم به تبعیت از احکام شرعی است.

ب- در مواردی که شارع نسبت به آنها ساکت است، مجلس اقدام به وضع و تصویب قانون می کند. به مصوبات مجلس در این موارد اصطلاحاً احکام حکومتی گویند.

- انشای حکم در مواردی که شارع نسبت به آنها حکمی صادر نکرده است، از سوی مجلس شورای اسلامی، مغایرتی با تخصیص حاکمیت به خداوند ندارند، چون شارع تصمیمگیری در این موارد را به افراد واجد صلاحیت واگذار کرده است.

ارکان قوه مقننه:

- ۱- مجلس شورای اسلامی
- ۲- شورای نگهبان
- شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام در عرض مجلس شورای اسلامی قرار ندارند.

- اصل ۶۲ قانون اساسی مقرر می دارد:

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان دولت که بطور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و کیفیت انتخاب را قانون معین خواهد کرد.

- در اصل ۶۴ قانون اساسی آمده است:

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود.

زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.

محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند.

- در جمهوری اسلامی ایران رأی گیری یک درجه ایست، یعنی خود افراد باید پای صندوق رأی حاضر شوند.

- در جمهوری اسلامی ایران شرکت در انتخابات اختیاری است و عدم شرکت در انتخابات جرم تلقی نمی شود.

- در اصل ۶۳ قانون اساسی آمده است:

دوره نمایندگان مجلس شورای اسلامی چهار سال است انتخابات هر دوره باید بیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمانی بدو مجلس نباشد.

- اصل ۶۸ قانون مذکور مقرر می دارد:

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

- انتخابات فقط در شرایط جنگ و اشغال نظامی کشور ممکن است محدود شود.
- قانون اساسی چگونگی برگزاری انتخابات را به قوانین عادی موکول کرده است.

بموجب اصل ۶۲ قانون اساسی، شرط انتخاب کنندگان انتخاب شوندهگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

- وزارت کشور مجری انتخابات مجلس است.
- هیئتهای اجرایی متشکل از فرماندار یا بخشدار، رئیس اداره ثبت احوال و ۹ نفر معتمد هستند.

- وظایف هیاتهای اجرایی:

- ۱- بررسی صلاحیتهای قانون داوطلبان
- تعیین پنج نفر در هر شعبه برای اخذ رأی
- صحت جریان انتخاب و انجام کلیه امور مربوط به انتخابات.

- شرایط رأی دهندگان:

- ۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران
- ۲- دارا بدن ۱۵ سال تمام
- ۳- عاقل بودن

- شرایط انتخاب شوندگان:

- ۱- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
 - ۲- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
 - ۳- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.
 - ۴- داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم و یا معادل آن.
 - ۵- نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه
 - ۶- سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی
 - ۷- دارا بودن حداقل ۳۰ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال تمام
- داوطلبان نمایندگی اقلیتهای دینی از شرط التزام عملی به اسلام، مستثنی هستند، بلکه کافی است در دین خود ثابت قدم باشند.
- داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی پس از انتشار دستور شروع انتخابات باید ظرف مدت معینی به بخشرداری یا فرمانداری مرکز حوزه انتخابیه خود یا وزارت کشور در تهران مراجعه نموده و فرمهای مربوطه را دریافت و تکمیل کند.
 - پس از پایان مهلت ثبت نام، صلاحیت داوطلبان توسط هیتهای اجرایی ارزیابی می شود.
 - داوطلبانی که رد صلاحیت شده باشند می توانند اعتراض خود را به شورای نگهبان ارجاع دهند.
 - شورای نگهبان ظرف ۱۵ روز از پایان رسیدگی هیتهای اجرایی نظر خود را اعلام خواهد کرد.
 - داوطلبان نمایندگی نمی توانند با استفاده از وسایل عمومی و دولتی تبلیغ کنند.
 - الصاق آگهی تبلیغاتی روی علائم عمومی و تابلوی موسسات دولتی و نیز تبلیغ علیه دیگر نمایندگان ممنوع است.
 - انجام فعالیتهای تبلیغاتی تا ۲۴ ساعت قبل از روز اخذ رأی مجاز است.

نظارت بر انتخابات در جمهوری اسلامی ایران از دو جهت اعمال می شود:

- ۱- توسط خود مجلس پس از انتخابات در جریان تصویب اعتبارنامه
- ۲- توسط شورای نگهبان

- اصل ۹۹ قانون اساسی مقرر می دارد:

- شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.
- بموجب اصل ۸۴ قانون اساسی، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.
 - نماینده مجلس در مقام انجام وظیفه نمایندگی، براساس تشخیص و ارزیابی های خود عمل می کند و تابع نظرات دیگران نیست.

- در اصل ۸۵ قانون اساسی آمده است:

- سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگزاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند.
- واگذار کردن برخی از اختیارات و وظایف نمایندگی به رئیس دفتر، بر خلاف قانون است.
 - اگر نماینده ای ظرف یکسال، ۱۰۰ ساعت متوالی یا ۲۵۰ ساعت غیر متوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس یا کمیسیونها بدون عذر موجه غیبت کند، در محلت ۱۵ روز مستعفی شناخته می شود.
 - برکناری نماینده مجلس از سمت خود فقط در چارچوب آئین نامه داخلی مجلس صورت می پذیرد.
 - با توجه به قوانین موجود اگر نماینده ای، پس از انتخاب شدن برخی از شرایط نمایندگی مقرر در قانون انتخابات را از دست بدهد، به صرف این امر نمی توان او را از سمت نمایندگی عزل و برکنار کرد.
 - نمایندگان نیز مانند سایر مردم، در برابر قانون مساوی اند.
 - اگر نماینده ای مرتکب جرمی شود، صرف سمت نمایندگی، مانع از تعقیب و مجازات او نیست.

- اصل ۸۶ قانون اساسی مقرر می دارد:

- نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود، کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند، یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند، تعقیب یا توقیف کرد.
- قانون اساسی مصونیت تشریفاتی نمایندگان مجلس را نپذیرفته است.

نظریه تفسیری شورای نگهبان راجع به اصل ۸۶ قانون اساسی:

با عنایت به:

- ۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
 - ۲- اصول متعددی از قانون اساسی دایر بر خورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی
 - ۳- عدم ملازمه ایفای وظیفه نمایندگی با ارتکاب جرم
 - ۴- عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم
 - ۵- نظریه حضرت امام خمینی (ره)
- اصل ۸۶ در مقام بیان آزادی نماینده از اظهار نظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی است و ارتکاب اعمال مجرمانه از شمول این اصل خارج بوده و این آزادی، نافی مسئولیت مرتکب جرم نمی باشد.
- در جمهوری اسلامی ایران نه تنها نمایندگان مجلس از مصونیت برخوردار نیستند، بلکه حتی رئیس جمهور و مقام رهبری نیز در صورت ارتکاب جرم قابل تعقیب کیفری خواهند بود.

- اصل ۶۵ قانون اساسی مقرر می دارد:

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد و تصویب طرح ها و لوایح، طبق آن آیین نامه مصوب داخلی انجام می گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد برای تصویب آیین نامه، داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

- اصل ۶۶ قانون اساسی مذکور مقرر داشته است:

ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون ها و دوره تصدی آنها و امور مرتبط به مذاکرات و انتظارات مجلس به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می گردد.

انواع هیأت رئیسه در مجلس شورای اسلامی:

- ۱- هیأت رئیسه سنی
- ۲- هیأت رئیسه موقت
- ۳- هیأت رئیسه دائم

هیأت رئیسه سنی:

وظایف هیأت رئیسه سنی:

- ۱- اداره جلسه افتتاحیه
- ۲- انجام مراسم سوگند
- ۳- انجام انتخابات هیأت رئیسه موقت

وظایف هیأت رئیسه موقت:

- ۱- اداره جلسات رسیدگی به اعتبارنامه ها
 - ۲- اجرای انتخابات هیأت رئیسه دائم
- وظایف هیأت رئیسه دائم، اداره مجلس است.

- اصل ۶۷ قانون اساسی مقرر می دارد:

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضاء نمایند.

"من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و میانی جمهوری اسلام باشم، و دیعه ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته ها و نوشته ها و اظهار نظرها، استقلال کشور، آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم".

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند، باید در اولین جلسه ای که حضور پیدا می کنند، مراسم سوگند را به جای آورند.

هدف کمیسیونهای مجلس:

کمیسیونهای مجلس بررسی همه جانبه و عمیق طرحها و لوایح، قبل از مطرح شدن آنها در صحن علنی مجلس را تسهیل می کنند.

انواع کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی:

- ۱- کمیسیونهای دائم
- ۲- کمیسیونهای موقت

وظایف کمیسیونهای تخصصی مجلس:

- ۱- بررسی، اصلاح و تکمیل طرح ها و لوایح قانونی و ارائه گزارش آن به مجلس.
- ۲- رسیدگی به طرح های تحقیق و انجام آنها پس از تصویب مجلس شورای اسلامی.
- ۳- رسیدگی به لوایح بودجه سالیانه کشور و بررسی و اظهار نظر در مورد لوایح برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- ۴- تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی به آنها واگذار شده است.

۵- کسب اطلاع از چگونگی اداره امور کشور، دریافت و بررسی گزارشهای عملکردی و نظارتی از دستگاههای ذی ربط به نمایندگی از مجلس شورای اسلامی و تهیه گزارش جامع سالیانه و ارائه آنها به مجلس شورای اسلامی.

انواع جلسات مجلس شورای اسلامی:

- ۱- جلسات علنی
 - ۲- جلسات غیر علنی
- نمایندگان ملزم به حضور در جلسات هستند.

- اصل ۶۹ قانون اساسی مقرر می دارد:

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتیکه رعایت امنیت کشور ایجاب کند به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد، گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی

- اصل ۷۱ قانون اساسی مقرر می دارد:

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.

- اصل ۷۲ قانون مذکور مقرر می دارد:

مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده بر عهده شورای نگهبان است.

- در اصل ۴ قانون اساسی آمده است:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.

شیوه های پیشنهاد تصویب قانون به مجلس شورای اسلامی:

- ۱- تقدیم لوایح قانونی بوسیله قوه مجریه
- ۲- پیشنهاد طرح های قانونی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

- صل ۷۴ قانون اساسی مقرر داشته است:

لوايح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می شود و طرح های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

- اصل ۱۰۲ قانون اساسی مقرر می دارد:

شورای عالی استاندها حق دارد در حدود وظایف خود طرح هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

- اصل ۷۵ قانون اساسی:

طرح های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه های عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

بررسی لایحه بودجه:

در بررسی لایحه بودجه می توان پیشنهاد افزایش هزینه بدون مشخص کردن منبع تأمین اعتبار آن را مطرح نمود.

رسیدگی به لوایح و طرح های عادی:

- رسیدگی به لوایح و طرح های عادی دو شوری بوده و در پنج مرحله صورت می گیرد:
- ۱- اعلان وصول طرح یا لایحه در جلسه علنی مجلس و ارجاع آن به کمیسیون مربوطه.
 - ۲- رسیدگی به طرح یا لایحه توسط کمیسیون مربوطه.
 - ۳- تقدیم گزارش توسط کمیسیون به هیأت رئیسه مجلس و مطرح کردن کلیات طرح یا لایحه در جلسه علنی بعنوان شور اول که در صورت تصویب، مجدداً برای رسیدگی به کمیسیون مربوطه ارجاع می شود.
 - ۴- رسیدگی به طرح یا لایحه با توجه به پیشنهادات اصلاحی نمایندگان، توسط کمیسیون.
 - ۵- ارائه گزارش توسط کمیسیون در جلسه علنی مجلس و شروع شور دوم.

رسیدگی به طرح ها و لوایح فوری:

رسیدگی به طرح ها و لوایح فوری معمولاً یک شوری است. فوریت طرح یا لایحه و نوع آنرا مجلس شورای اسلامی تعیین می کند.

شیوه رسیدگی به طرح ها و لوایح یک فوریتی:

- ۱- اصول طرح یا لایحه اعلام می شود و فوریت آن مورد تصویب قرار می گیرد.
- ۲- پس از ارجاع به کمیسیون مربوطه بدلیل قید فوریت بطور خارج از نوبت رسیدگی می شود.
- ۳- گزارش کمیسیون بطور خارج از نوبت در دستور کار مجلس قرار گرفته، در صحن علنی مجلس طی یک شور مورد بررسی واقع می شود.

شیوه رسیدگی به طرح ها و لوایح دو فوریتی:

- ۱- وصول طرح ها یا لایحه اعلام یم شو دو چنانچه دو فوریتی بودن آن مورد تصویب واقع شود. بلافاصله طرح یا لایحه تکثیر و بین نمایندگان توزیع می شود. مجلس ظرف مدت ۲۴ ساعت پس از توزیع طرح یا لایحه دو فوریتی، آنرا مطرح و مورد بررسی قرار می دهد.

شیوه رسیدگی به طرح ها و لوایح سه فوریتی:

- پس از اعلام وصول و تصویب سه فوریتی بودن آن، مجلس باید در همان جلسه اقدام به بررسی و اخذ تصمیم مقتضی بنماید. هنگام بررسی و تصویب طرح ها و لوایح سه فوریتی، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حضور داشته باشد.

- اصل ۹۷ قانون اساسی مقرر می دارد:

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

آیا دولت یم تواند مستقلاً لوایح قضایی را تهیه و به مجلس پیشنهاد کند؟

با توجه به اصول ۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی:

تهیه لوایح قضایی در صلاحیت قوه مجریه نمی باشد.

- اصل ۸۵ قانون اساسی مقرر می دارد:

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند. ولی در مواد ضروری می تواند، اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون های داخلی

خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون های ذی ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل ۹۶ با شورای نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مذکور باید ضمن ابلاغ برای اجرا، به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

کمیسیونها نمی توانند بدون تصویب مجلس و تفویض اختیار قانون گذاری، اقدام به رسیدگی و تصویب قانون کنند.

مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیونهای ذی ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل ۹۶ با شورای نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مذکور باید ضمن ابلاغ برای اجرا، به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

- اصل ۷۳ قانون اساسی تصریح می کند:

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که در دادرسان در مقام تمییز حق، از قوانین می کنند نیست.

قوانین تفسیری، تشریح جدید نیستند.

منظور از تفسیر بیان موارد مقنن است.

تفسیر از زمان بیان موارد مقنن لازم الاجرا است.

- در اصل ۱۳۴ قانون اساسی آمده است:

رئیس جمهور در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

- اصل ۱۲۷ قانون اساسی مقرر داشته است:

هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست.

- اصل ۱۲۳ قانون مذکور مقرر می دارد:

وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می کند.

- اصل ۸۷ قانون اساسی مقرر می دارد:

رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و بیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و در مورد اختلاف می توان از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

- در اصل ۱۲۵ آمده است:

وزرا تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح یا در خواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی اعتماد نداده است، در سمت خود باقی می مانند.

- اصل ۱۲۶ مقرر می دارد:

رئیس جمهور می تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

شیوه های نظارت:

تذکر:

در صورتیکه نماینده ای از انجام اعمال خلاف قانون در یکی از زیر مجموعه های قوه مجریه اطلاع پیدا کند، حق دارد از طریق رئیس مجلس به وزیر مسئول و یا رئیس جمهور کتبا تذکر دهد.

سئوال:

هر یک از نمایندگان می توانند هر یک از وزرا یا رئیس جمهور را مورد پرسش قرار دهند.

- اصل ۸۸ قانون اساسی مقرر می دارد:

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول؛ درباره یکی از وظایف آنان سئوال کنند، رئیس جمهور یا وزیر و به موظف است در مجلس حاضر شود سئوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه در مورد وزیر بیش از ده روز تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

استيضاح:

شدیدترین شیوه اعمال نظارت مجلس بر قوه مقننه استیضاح است.

- اصل ۸۹ قانون اساسی مقرر می دارد:

۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می توانند در مواردی که لازم می دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم کند.

هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می دهند و در صورتی که مجلس مقتضا بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد.

اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی توانند بر هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرای کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیان توضیحات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند، مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل ۱۱۰ به اطلاع مقام رهبری می رسد.

براساس بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل ۸۹، بر عهده رهبر است. صرف استیضاح موجب سلب صلاحیتهای وزیر نمی شود. عزل رئیس جمهور با عزل هیأت وزیران ملازمه ندارد.

حق تحقیق و تفحص:

- اصل ۷۶ قانون اساسی مقرر می دارد:

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. قانون اساسی در برخی از موارد حق تحقیق تفحص مجلس را محدود کرده است.

مراحل اجرای حق تحقیق و تفحص:

- ۱- طرح درخواست نماینده از طریق رئیس مجلس
- ۲- اجرای درخواست مذکور توسط هیأت رئیسه به کمیسیون ذی ربط

- ۳- تحویل اطلاعات لازم از سوی کمیسیون به نماینده. اگر نماینده قانع نشوند. شخصاً در کمیسیون حاضر شده و دلایل ضرورت تحقیق و تفحص را در آن زمینه خاص مطرح می کند.
- ۴- ارجاع نظر کمیسیون به مجلس مبتنی بر پذیرش یا عدم پذیرش در خواست نماینده.
- ۵- قرائت نظر کمیسیون در جلسه علنی مجلس و رأی گیری
- ۶- چنانچه مجلس به تحقیق رأی بدهد، مجدداً درخواست به همان کمیسیون ارجاع می شود تا با کمک نماینده مذکور، تحقیق و تفحص انجام گیرد.

ارکان قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران:

- ۱- مجلس شورای اسلامی
- ۲- شورای نگهبان

- اصل ۹۱ قانون اساسی در خصوص اهداف اصلی نهاد شورای نگهبان مقرر می دارد:

- به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:
- ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.
 - ۲- شش نفر حقوقدان در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که بوسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند.

شرایط فقهای شورای نگهبان:

- ۱- فقاقت:
- عبارتست از قوه استنباط احکام شرعی از منابع آن.
- ۲- عدالت:
- ملکه ای نفسانی است که باعث می شود شخص مرتکب گناه کبیره نشده و بر مصیبت صغیره نیز اصرار نرزد.
- ۳- آگاهی از مقتضیات زمان و مسائل روز

شرایط حقوقدانان شورای نگهبان:

- ۱- مسلمان بودن
- ۲- تخصص در رشته های مختلف حقوق

- شورای نگهبان در یک نظریه تفسیری اظهار داشته است:

اختیار معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به تعداد بیش از افراد مورد نیاز به عده رئیس قوه قضائیه است و مجلس شورای اسلامی موظف است فقط از میان همان افراد معرفی شده تعداد لازم را انتخاب نماید.

- اصل ۹۱ قانون اساسی:

از دقت در اصل ۹۱ قانون اساسی روشن می‌شود که در شکل‌گیری شورای نگهبان سه نهاد زیر دخالت دارند:

- ۱- رهبری
- ۲- قوه قضائیه
- ۳- قوه مقننه

- اصل ۹۲ قانون اساسی:

اصل ۹۲ قانون اساسی درباره مدت مأموریت اعضای شورای نگهبان مقرر داشته است: اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه ای به جای آنان انتخاب می‌شوند.

انواع جلسات شورای نگهبان از حیث اعضاء:

- ۱- جلساتی که فقط فقها حضور دارند
- ۲- جلساتی که همه اعضاء حضور دارند.

انواع جلسات شورای نگهبان از حیث اهمیت:

- ۱- جلسات عادی
- ۲- جلسات فوق العاده

جلسات عادی با حضور ۷ نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد اما برای اخذ رأی حضور ۹ نفر لازم است مگر در موارد ضروری یا مواردی که حصول رأی با همان ۷ نفر ممکن است.

- جلسات فوق العاده بر حسب ضرورت به تشخیص دبیر و یا با تقاضای سه نفر از اعضاء تشکیل می‌شود.

- جلساتی که فقط فقها حضور دارند، حضور حداقل ۴ نفر آنان برای رسمیت جلسه الزامی است اما برای اخذ رأی باید حداقل ۵ نفر از آنان حاضر باشند مگر در موارد ضروری یا مواردی که حصول رأی با همان ۴ نفر ممکن باشد.

مهمترین وظایف شورای نگهبان:

۱- پاسداری از احکام شرعی و اصول اساسی

۲- تفسیر قانون اساسی

۳- نظارت بر انتخابات

یکی از مهمترین وظایف شورای نگهبان پاسداری از احکام شرعی و اصول قانون اساسی است که اصول متعددی از قانون اساسی بر آن دلالت دارد.

- اصل ۹۴ قانون اساسی مقرر می دارد:

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آنرا حداکث ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر بیند برای تجدید نظر به مجلس باز گرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراست.

- اصل ۹۳ قانون مقرر می دارد:

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

- اصل ۷۲ مقرر داشته است:

مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

- در اصل ۹۶ قانون اساسی آمده است:

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

- اصل ۴ قانون اساسی مقرر می دارد:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

علاوه بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، سایر مقررات، مصوبات، اساسنامه ها، دستور العمل ها و بخشنامه هایی که از جانب مقامات صلاحیت دار صادر می شود باید با احکام اسلامی منطبق باشد.

با توجه به اطلاق اصل ۴ قانون اساسی تشخیص انطباق اینگونه مصوبات با قوانین اسلامی نیز در انحصار فقهای شورای نگهبان است. چنانچه گفته شد، نظارت شرعی شورای نگهبان، علاوه بر مصوبات مجلس شورای اسلامی سایر انواع مقررات را نیز در بر می گیرد.

- در اصل ۸۵ قانون اساسی در این خصوص آمده است:

مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون های ذی ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان.

- اصل ۷۰ نیز مقرر می دارد:

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین ها نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

نکته مهم:

آنچه در جلسه همه اعضا یا فقهای شورای نگهبان به رأی گذاشته می شود، مغایرت مصوبه با قانون اساسی یا احکام شرعی است نه عدم مغایرت آن. زیرا اصل بر عدم تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی یا احکام شرعی است و تنها اگر اکثریت شورای نگهبان مغایرت مصوبه را با قانون اساسی یا احکام شرعی رأی دادند، مصوبه غیر قابل اجرا می شود. لذا آرای مصتبع به معنای موافقت با مصوبات محسوب می شود، به عبارت دیگر وظیفه شورای نگهبان اعلام موافقت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی یا احکام شرعی نیست.

- اصل ۹۴ قانون اساسی مقرر داشته است:

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلامی و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراست.

- در اصل ۹۵ آمده است:

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی اظهار نظر نهائی کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

- اصل ۹۷ قانون اساسی مقرر داشته است:

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند. براساس نظریه تفسیری شورای نگهبان، مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل ۹۷ قانون اساسی طرح یل لایحه ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد. براساس نظریه تفسیری شورای نگهبان، مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل ۹۷ قانون اساسی طرح یا لایحه ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت است.

نکته:

با عنایت به حکومت اصل ۴ قانون اساسی بر همه اصول این قانون از جمله اصول ۹۴، ۹۵، مهلت های مقرر در اصول اخیر، در خصوص اعلام مغایرت مصوبات با احکام شرعی جاری نیست. یعنی در هر زمانی که شورای نگهبان مغایرت مصوبه ای را با احکام شرعی اعلام کند، اگر چه پس از مهلت ده روز باشد، این اظهار نظر در کنار گذاشتن مصوبه موثر است، چرا که در غیر این صورت مصوبه باید معتبر تلقی شود، که این امر با اصل چهارم قانون اساسی در تعارض است.

تفسیر قانون اساسی:

یکی دیگر از مهمترین وظایف شورای نگهبان تفسیر قانون اساسی است. پیش از این گفته شد که اقسام تفسیر از نظر مقام تفسیر کننده بر سه قسم است:

۱- تفسیر علمی یا شخصی

۲- تفسیر قضایی

۳- تفسیر قانونی

تفاسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی، تفسیر قانونی محسوب می شود.

مراحل تفسیر اصول قانون اساسی:

۱- در خواست تفسیر از سوی رئیس جمهور، رئیس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و با یکی از اعضای شورای نگهبان و یا با ارجاع مقام معظم رهبری مطرح می شود.

۲- شورای نگهبان پس از وصول درخواست تشکیل جلسه داده و ضرورت تفسیر را مورد بررسی قرار می دهد.

۳- اگر اکثریت شورای نگهبان به تفسیر رأی دهند. شورای نگهبان به تفسیر اصل مورد ابهام می پردازد.

- اصل ۹۸ قانون اساسی مقرر می دارد:

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود.

به این ترتیب، اگر چه جلسات شورای نگهبان برای تفسیر قانون اساسی با حضور ۹ نفر از اعضا رسمیت می یابد اما برای اخذ رأی حضور بقیه اعضا نیز لازم است، مگر آنکه حداقل رأی لازم برای تفسیر از ناحیه حاضرین ابراز می گردد. یعنی اگر حداقل اعضا برای رسمیت جلسات (۹ نفر) حضور داشته باشند و همگی رأی مشابهی را در تفسیر اصلی از قانون اساسی داشته باشند، حضور دیگر اعضا برای اعتبار آن نظریه تفسیری لازم نیست چرا که تفسیر انجام شده با حضور سه چهارم آنان به عمل آمده است.

- ارزش نظریه های تفسیر شورای نگهبان دارای ارزش قانون اساسی است.
- اگر هیچ یک از نظریه های اعضای شورای نگهبان نصاب لازم را بدست نیاورد، رأی اکثریت رأی تفسیری قلمداد نمی شود.

شورای نگهبان:

یکی دیگر از مهمترین وظایف شورای نگهبان نظارت بر انتخابات است.

- در اصل ۹۹ قانون اساسی آمده است:

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

شورای نگهبان بهترین نهاد نظارت بر عملکرد قوه مجریه در انتخابات است، زیرا:

- ۱- شورای نگهبان ماهیتاً یک نهاد فقهی- حقوقی است که صرفاً از منظر حقوقی و تخصصی به روند امور می نگرد.
 - ۲- بهترین کارشناسان فقهی و حقوقی در آن حضور دارند.
 - ۳- نهادهای دیگر کشور بجز قوه مجریه، در شکل گیری آن دخالت کرده اند.
- شورای نگهبان برای انجام وظیفه نظارت، با انتخاب افرادی هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات را تشکیل می دهد و این هیأت برای هر استان یا شهرستان یک یا چند نار تعیین می کند.
- نظارت شورای نگهبان عام و فراگیر بوده و تمامی مراحل اجرایی انتخابات را در بر می گیرد.
 - آیا نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، بررسی صلاحیت کاندیداها را نیز در بر می گیرد؟
- آری، زیرا:
- ۱- احراز صلاحیتهای قانونی کاندیداها یکی از مراحل انتخابات است و استثنا کردن آن فاقد هرگونه دلیل است.
 - ۲- نظارت بر صلاحیتهای قانونی کاندیداها، لازمه صحت انتخابات است.
- نظر شورای نگهبان مبنی بر تأیید یا رد صلاحیت کاندیدا قطعی و غیر قابل اعتراض است.

- نظارت شورای نگهبان بر انتخابات یک نظارت استصوابی است، یعنی شورای نگهبان نه تنها باید از روند امور مطلع باشد، بلکه انطباق جریان امور با قانون را نیز بررسی می کند و در صورت موافقت اقدامات انجام شده بوسیله عام (وزارت کشور) با قانون، آنرا تأیید و در غیر این صورت آنرا رد می کند.
- نظارت استصوابی به معنی نظارت مطلق و بدون ضابطه نیست، بلکه نظارتی است که در چارچوب قوانین و مقررات صورت می پذیرد و نظار استصوابی نیم تواند فراتر از آنچه در قانون پیش بینی شده است، شرطی را اضافه کند.

نظارت شورای نگهبان بر انتخابات به دلایل زیر استصوابی است:

- ۱- مقصود از پیش بینی اصل ۹۹ قانون اساسی، صیانت از قانون و حفظ آراء مردم است. از اینرو اگر نظارت ناظر استصوابی نباشد، زمینه تضییع حقوق مردم و نقض قانون فراهم می شود.
 - ۲- نظارت شورای نگهبان در اصل ۹۹ مطلق است و مقید به هیچ قیدی نشده است. بنابراین محدود کردن نظارت شورای نگهبان به نظارت اطلاعی محتاج دلیل است که دلیلی بر این امر وجود ندارد.
 - ۳- شورای نگهبان در نظریه تفسیری خود در سال ۱۳۷۰ راجع به اصل ۹۹ قانون اساسی مقرر می دارد:
- نظارت شورای نگهبان در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی بوده و شامل تمامی مراحل انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می شود.
- ۴- همه قوانین عادی که تاکنون در خصوص برگزاری انتخابات تصویب شده اند، دلالت بر استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان دارند.
- چنانچه گفته شد نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، شامل بررسی صلاحیت کاندیداها نیز می شود.
 - البته برخی در خصوص بررسی صلاحیت کاندیداهاى مجلس شورای اسلامی توسط شورای نگهبان تردید کرده اند. اما با توجه به آنچه قبلاً گفته شد روشن می شود که لازمه نظارت بر انتخابات و صحت و سلامت انتخابات، نظارت استصوابی شورای نگهبان است که این نظارت شامل بررسی صلاحیت کاندیداها نیز می شود.
 - اما بررسی صلاحیت کاندیداهاى ریاست جمهوری محل اختلاف نیست.
- بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در این باره مقرر داشته است:
- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخاب به تدیی شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

بررسی شرایط داوطلبان:

- در بررسی شرایط داوطلبان اصل بر عدم این شرایط است و آنچه احراز می شود، وجود شرایط است دلیل این امر هم سیره و روش عقلا است.
- برخی گفته اند پذیرش اصل عدم صلاحیت با اصل برائت در تعارض است.

در جواب باید گفت که موضع بررسی شرایط و صلاحیت داوطلبان محل اجرای اصل برائت نیست زیرا آنچه به استناد اصل برائت مورد تأیید قرار می گیرد، عدم محرومیت و مدیون نبودن شخص در موضع شک و تردید است. به عبارت دیگر بریء الذمه بودن شخص به معنای احراز صلاحیت او برای تصدی امری نیست.

برخی برای ضرورت احراز صلاحیت نمایندگان به اصله الصحه توجه کرده اند و گفته اند در موارد تردید در صلاحیت های قانونی داوطلب باید اصل را بر صالح بودن او گذاشت. در جواب باید گفت که این رویکرد نیز با سیره سازگاری ندارد، چرا که عقلاً در مسائل مهم احتیاط را پیشه خود قرار داده و به تحقیق و تنحص می پردازد.

وظایف شورای نگهبان:

شورای نگهبان علاوه بر سه وظیفه مهم پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخاب که قبلاً به آنها اشاره شد، وظایف دیگری نیز دارد که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

- ۱- عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی در صورت فراهم شدن لوازم و ضرورتهای بازنگری قانون اساسی، مطابق اصل ۱۷۷ قانون اساسی اعضای شورای نگهبان در شورای بازنگری قانون اساسی عضویت دارند.
- ۲- عضویت در شورای موقت رهبری

- در اصل ۱۱۱ قانون اساسی آمده است:

"... در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خیرگان موظفند در اسره وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقها شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد..."

۳- عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام براساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی اعضاء ثابت و متغیر مجمع را مقام رهبری تعیین می کند و براساس حکم مورخه ۱۳۶۸/۷/۱۲ مقام رهبری، این مجمع متشکل از ۲۰ نفر می باشد که فقها، شورای نگهبان از جمله اعضاء آن می باشند.

- ۴- حضور در مراسم تخلیف (۱۲۱ قانون اساسی)
- ۵- حضور در جلسه غیر علنی مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۹ قانون اساسی)
- ۶- حضور در مجلس شورای اسلامی به موقع رسیدگی به طرح ها و لوایح فوری (اصل ۹۷ قانون اساسی)
- ۷- تشخیص برخی از صلاحیتهای داوطلبان خیرگان رهبری به موجب قانون انتخابات مجلس خیرگان رهبری تشخیص برخی از صلاحیتهای نامزدها به شورای نگهبان واگذار شده است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام:

وضایف مجمع تشخیص مصلحت نظام از اختیارات رهبری است. از یان رو تا پیش از تجدید نظر در قانون اساسی، آن وظایف بوسیله رهبری انجام می شد.

اصل ۱۱۲ قانون اساسی مقرر می دارد:

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می شود.

اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

عنوان "مجمع تشخیص مصلحت" به معنای انحصار صلاحیت تشخیص مصلحت به مجمع نیست، بلکه اصولاً تشخیص مصلحت عمومی مردم و نظام اسلامی بر عهده رهبری است که در چارچوب قانون اساسی این صلاحیت به مجلس شورای اسلامی داده است.

اما از آن جهت که تشخیص مصحبت اهم به عنوان صلاحیت انحصاری مجمع در چارچوب اصل ۱۱۲ قانون اساسی مطرح شده است، مجمع تشخیص مصلحت به این عنوان اشتهار یافته است.

چنانچه قبلاً نیز گفته شد، گاهی دو قاعده یا دو دلیل شرعی در مقام اجرا مزاحم یکدیگر می شوند، به نحوی که اجرای یکی مستلزم کنار گذاشتن دیگری است.

بر همین اساس تشخیص مصلحت اهم در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان برخلاف شرع یا قانون اساسی بداند، یکی از مهمترین وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام با استفاده از نظر کارشناسان به بررسی موضوع پرداخته و با احراز مصلحت اهم، اصلی از اصول قانون اساسی را به نفع اصل دیگر به طور موقت به کنار می نهد.

و یا اینکه حکمی از احکام شرعی را بر حکمی دیگر ترجیح می دهد که این امر ممکن است منجر به تأیید مصوبه مجلس شود یا خود، مصلحت اهم را متفاوت با مصوبه مجلس بیاید.